



دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۰ | سال هشتم
دوره جدید | شماره پیاپی ۱۶۸
قیمت ۷ هزار تومان



یزد از رئیس آینده پاستور چه انتظاری دارد

۱۴۰۰؛ سال مطالبه رفع گره اقتصاد

- شیفتگان خدمت یا دلباختگان خودنمایی
- تشکل های کار گری در یزد؛ کمیت بی کیفیت
- تمام خواهران این شهر
- از اتاق پنج دری در یزد تا رینگ بوکسی در مانیل
- قصه ی گلبهار



تزیینات یزد زیبا

کناف

کاغذ دیواری

ایران، خارج، پوسٹر، سه بعدی

انواع قرنیز

رنگ آمیزی:

پلاستیک آکرولیک، آب پایه، روغن

یزد بلوار ۱۷ شهرریور بلوار عابدی نبش کوچه
زیتون

۰۹۱۳۳۵۸۵۰۶۹

۰۳۵۳۷۲۶۳۵۱۴ ☎





یزد_آب_ندارد



هفته‌نامه سیاسی
اجتماعی-فرهنگی

● شیفتگان خدمت یا دل‌باختگان خودنمایی



● یزد از رئیس آینده پاستور چه انتظاری دارد



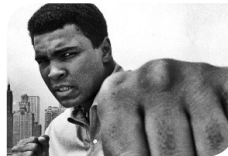
● تشکل‌های کارگری در یزد؛ کمیت بی کیفیت



● تمام خواهران این شهر



● از اتاق پنج دری در یزد تا رینگ بوکسی در مانیل



● خلق را دارالشفایی، ملک را دارالامان!



● قصه‌ی گل‌بهار



صاحب امتیاز:
نسرتین زمان زاده
مدیر مسئول:
زهره شاه‌شوازی

سر‌دبیر:
عاطفه ابراهیمی
دبیر تحریریه:
شادی شفیعی

مجری انتشار:
آژانس ویرگول

صفحه‌آرایی:
موسسه فرهنگی و هنری
دیدنو

چاپ:
چاپخانه سروش
تیراژ:
۵۰۰ نسخه

آدرس:
یزد-بلوار پاکت‌زاد خیابان
پرورش واحد ۲۸
انتشار آگهی:
۰۳۵-۳۶ ۲۷۴۷۱۷
۰۹۱۹۴۹۶۳۷۳۴

از تمامی علاقه‌مندان برای
همکاری در هفته‌نامه پرگار
دعوت می‌شود مطالب خود را
به ایمیل نشریه ارسال کنند.
مطالب منتشر شده لزوماً
دیدگاه پرگار نیست. پرگار
منتظر نظرات و انتقادات
خوانندگان است.
پرگار نشریه مستقل و متعلق
به بخش خصوصی است.

پست الکترونیک
Info@pargarnews.ir

بحران آب، حیات مردم یزد را نشانه گرفته است

زهرا شاه شواری

بهار امسال نه خبری از بارش های سیل آسای چند سال اخیر بود و نه بارش های معمول بهاری، ضمن آنکه زمستان نیز بارش ها به شدت کاهش یافت. شهرهای ایران بویژه یزد، امسال حال و روز خوبی ندارند بحران آب و خشکسالی دوباره به بزرگترین چالش کشور تبدیل شده است. کاهش ۵۳ درصدی بارش ها نسبت به سال قبل اثر مستقیم بروی موجودی آب مخازن سدها گذاشته و حجم آنها را به شدت کاهش داده است. همین موضوع به نگرانی در باره نوع مصرف و تامین آب در استان یزد را دوچندان می کند.

بحران آب یعنی به سبب مرتفع نشدن نیازهای آبی، میزانی از بی ثباتی و تنش های اجتماعی را در جوامع محلی، استان ها و یا کشور شاهد باشیم. از پیامدهای بحران آب می توان به بروز تنش های ناشی از تشدید رقابت بین متقاضیان آب، بروز مشکلات در تامین امنیت غذایی، گسترش فقر و بیکاری و گسترش پیش داوری ها و تضادهای قومی، تهدید سلامت شهروندان و به تبع آن افزایش هزینه های بهداشت و درمان اشاره کرد.

درگیری های اجتماعی بین اهالی سکونت گاه های شهری و روستایی بر سر تصاحب آب برای رفع نیازهای اضطراری خود و نیز تبدیل شدن برخی از آن ها به تنش های اجتماعی به ویژه در سال های کم آبی، نه تنها پدیده ای جدید و نوظهور نیست بلکه بسیار عادی می نماید. تیرماه ۹۸ بود که مردم آبادان و خرمشهر برای اعتراض به کم آبی و بحران آب شرب به خیابان های شهر آمده بودند. چندی بعد در واپسین روزهای همان ماه گروهی از مردم برازجان در استان بوشهر بار دیگر فریاد اعتراض سر دادند. قطع آب و جیره بندی آن سبب تشدید مشکل آب در استان بوشهر شد.

بحران کم آبی شهرهای مرکزی ایران از جمله یزد را نیز آسیب پذیر کرده است. همچنانکه بارها شاهد شکستن خط لوله انتقالی آب یزد توسط کشاورزان اصفهان بوده ایم. اگرچه مردم صبور یزد تاکنون نسبت به مشکلات اقلیمی و کمبود آب صبر پیشه کرده اند اما بحران آب دیگر مساله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نیست بلکه حیات مردم یزد را نشانه رفته است. وقت آن است که نمایندگان استان دست از مسامحه برداشته و به طور جدی نسبت به حل بحران آب و پیشگیری از تنش های آتی اقدام کنند. حل بحران آب در مناطق خشکی چون یزد تنها از طریق اعمال برنامه ریزی های کلان و واقع بینانه و مبتنی بر تعاملات منطقه ای و فرا استانی، با استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت ها قابل کنترل است.

سوی دیگر بحران آب، مدیریت مصرف قرار دارد. یکی از مشکلات استان یزد در بخش خانگی بی توجهی به هدر رفت آب در کولر های آبی است که به بروز بحران بی آبی کمک کرده است. در شهر یزد ۲۶۰ هزار کولر آبی و در کل استان ۴۰۰ هزار کولر آبی استفاده می شود. براساس برآوردهای انجام شده در شهر یزد هر کولر آبی به طور متوسط حدود ۴۰ مترمکعب از زمان شروع استفاده تا پایان آن، آب مصرف می کند. بدین معنا ۱۶ میلیون مترمکعب آب بواسطه فعال بودن ۴۰۰ هزار کولر در استان یزد تبخیر می شود. که این امر در ۱۶۰ روز پیک مصرف شرب و بهداشت است. بهینه سازی مصرف آب در کولر های آبی و افزایش کارایی کولر و کاهش مصرف انرژی می توان از هدر رفت آب ناشی از تبخیر جلوگیری نمود.

یکی دیگر از مشکلات آبی در بخش کشاورزی است. زمانی که آب در دسترس است کشاورزان تمایل دارند بیش از حد نیاز به آبیاری بپردازند. از طرف دیگر رویکرد توسعه در مناطق خشک باید بر مبنای حل بحران آب باشد. بنابراین در توسعه آبی مناطق خشک باید ظرفیت های طبیعی و اقلیمی منطقه را بیشتر مدنظر قرار داد. کاشت محصولات کم آب خواه امری است که می بایست مورد توجه جدی قرار گیرد. بی شک کاشت هندوانه در یزد وقتی هر کیلو هندوانه ۴۰۰ لیتر آب مجازی در خود دارد امری غیر ضروری است.

استان یزد به روش های نوآورانه مدیریت مصرف و برنامه ریزی برای توسعه روش های پیشگیری از هدر رفت آب نیاز دارد. این باور که کمبود آب یک پدیده مقطعی است، تنها بحران کنونی را به گردن تغییرات اقلیمی می اندازد و مشکلی از بحران آب استان یزد و تنش های آبی ناشی از آن را حل نمی کند.

نگاهی به ثبت نام های متفاوت انتخابات ریاست جمهوری:

شیفتگان خدمت یا دلباختگان خودنمایی

امیرترقی نژاد

کارزارهای انتخاباتی در همه جای دنیا از شخصیت و پرستیژ خاصی برخوردار است. اما این کارزار به خصوص در زمان ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری در ایران کاملا متفاوت است. حضور افرادی که خود را خادم مردم و نگران کشور می دانند اما تنها عایدی آن ها معروف شدن در فضای مجازی است.

در میان برخی از چهره های معروف سیاسی برای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، چهره های غیرمعروف هم از قافله ثبت نام عقب نمانده و خود را به وزارت کشور می رسانند تا شانس خود را در کارزار انتخابات ۱۴۰۰ امتحان کنند. از مرد کفن پوشی که عصا و قرآن در دست گرفته بود و می گفت برای نجات کشور آمده است تا جوان دهه هفتادی که می گفت یک دستفروش هم می تواند رئیس جمهور شود و حتی دختر موتورسیکلت سوار و مردی که می گفت نسل بشر در حال نابودی است. البته در این میان فرزند یک شهید، نویسنده کودک و نوجوان، یک خبرنگار و لیدر سابق تیم ملی فوتبال نیز حضور داشتند.

هرچند که از اول هم مشخص بود این چهره ها شانس ندارند اما در یک رویداد مهم سیاسی به طور حتم خیلی از نگاه ها را می توانستند به سمت خود بکشانند. طبق روال گذشته، پیش بینی می شد که شاهد حضور مردم عادی با شعارهایی جالب و عجیب در ستاد انتخابات باشیم. چیزی که مشخص است ضعف در نبود قانونی حداقلی و محدود کننده باعث حضور افرادی که بعضا هیچ یک از شرایط تایید صلاحیت را ندارند با اهدافی نظیر اعتراض، شهرت، طنز و ... در انتخابات ثبت نام کنند. برخی از کاربران فضای مجازی به این روند که باعث شده عده ای برای خودنمایی یا هر دلیل دیگری برای انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کنند، معترض بودند. البته شورای نگهبان مصوبه ای را برای سامان دهی ثبت نام در اختیار وزارت کشور قرار داده بود که شاهد این گونه ثبت نام ها نباشیم، اما با مخالفت حسن روحانی رئیس جمهور فعلی همراه شد.

این شهروند میدیدی طبق روال چندین دوره قبل، امسال هم برای ثبت نام ریاست جمهوری اقدام کرد اما این بار در روزهای آخر و به قول خودش نامرئی! و بی سر و صدا، روزهایی که برخلاف دوره های قبل جزء اولین ها نبود. او در این دوره با بیان اینکه مردم مرتب با من در تماس بودند تا برای ریاست جمهوری ثبت نام کنم اعلام کرد: من رابط مردم با مسئولان هستم تا مشکلات مردم را حل و فصل نمایم. کاهش سن بازنشستگی از دیگر وعده هایی بود که ابوالقاسم خاکی برای این دوره از انتخابات ریاست جمهوری مطرح کرد.

● حجه الاسلام ناصر فرقانی الله آبادی:

ناصر فرقانی الله آبادی که به استناد تصویر شناسنامه اش ۵ همسر و ۱۸ فرزند دارد، حاشیه های جالبی در ستاد انتخابات کشور ایجاد کرد. این روحانی از بخش الله آباد زارچ برای دومین بار به انتخابات ریاست جمهوری ورود کرد و برای دومین بار هم همانند شعار قبلی خود در انتخابات گذشته بیان کرد: تریاک از اول هم آزاد بوده است. به گفته او تریاک یک داروست و اگر آزاد شود اینقدر جوانان به سمت هروئین و سایر مواد مخدر نمی روند و اینقدر اعدام نخواهیم داشت و درگیری با نیروی انتظامی کم می شود. او معتقد است رییس جمهور طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی قبل از اینکه پاسدار کشور و قانون اساسی باشد، باید پاسدار اسلام باشد و در این خصوص روسای جمهور قبل کم کاری کرده اند. او نیز مورد توجه رسانه ها قرار گرفت و تصویرش در فضای مجازی دست به دست شد.

به هر حال مهلت نام نویسی از داوطلبان سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با ثبت نام ۵۹۲ نفر به پایان رسید. اما آیا چند نفر از این تعداد به معنای واقعی رجل سیاسی هستند؟ در حالی که چهره های شاخصی همچون علی لاریجانی، اسحاق جهانگیری و... رد صلاحیت شدند این سوال دوباره مطرح می شود که خاکی ها و فرقانی ها هم دوباره این فرصت را پیدا می کنند برای دوره بعدی انتخابات با اظهارات حاشیه ای و متفاوت کاندیدا شوند یا خیر؟ آیا زمان این نرسیده راهکار مناسب و اجرایی برای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در نظر گرفته شود تا هر چهار سال یکبار شاهد این نمایش عجیب و البته خنده دار نباشیم؟!

بر اساس اصول صریح قانون اساسی، تمام شهروندان جمهوری اسلامی فارغ از سن و جنس، می توانند در انتخابات ریاست جمهوری داوطلب شوند. موضوعی که مورد توجه و تاکید رییس جمهوری در مقام حافظ اصول قانون اساسی است. در همین راستا، برخی از شهروندان عادی کشور بدون وابستگی های جناحی و سیاسی در وزارت کشور حاضر شده و در انتخابات شرکت کردند. شورای نگهبان در ابلاغیه ای که چند روز قبل از کاندیداتوری برای وزارت کشور ارسال کرد، محدودیت هایی نظیر حداقل ۴۰ سال و حداکثر ۷۵ سال سن، داشتن مدرک کارشناسی ارشد و برخورداری از سوابق مدیریتی در سطوح ارشد کشوری یا لشکری در نظر گرفته و تاکید کرده است که داوطلبانی که این شرایط را نداشته باشند، نباید ثبت نام شوند.

با این وصف در این دوره انتخابات ریاست جمهوری تعدادی از یزدی ها از جمله یک نماینده مجلس (صباغیان نماینده بافق و مهریز) ناظمی اردکانی وزیر دولت احمدی نژاد و زمانی قمی اگر چه یزدی نیست ولی قریب به دو سال استاندار یزد بوده برای انتخابات ریاست جمهوری به ستاد انتخابات رفتند اما آنچه جالب توجه و قابل تامل بود این که برخی افراد متفاوت تر همچون دوره گذشته از یزد برای انتخابات ریاست جمهوری کاندید شدند.

● ابوالقاسم خاکی:

او برای اولین بار در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری با شماییلی خاص از جمله دمپایی! به ستاد انتخابات رفت. خاکی در آن روز شدیداً مورد توجه خبرنگاران و عکس های خبری قرار گرفت و در حالی که فضای مجازی در آن دوره مانند این روزها سرو شکل حرفه ای و جدی در میان مردم نداشت معروف و شناخته شده شد. خاکی کاندیدای پنج دوره ریاست جمهوری ایران احتمالاً از رکوردداران ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری بوده است که امسال هم با حضور در ستاد انتخابات حرف های جالبی برای گفتن داشت. وی نگهبان کارخانه کاشی سازی میبید است که در دوره قبل یکی از برنامه های خود را افزایش یارانه نقدی مردم عنوان کرد. طرح دیگر وی ساخت مسکن دلباز در اطراف شهرها بود که در عین حال گفت به دنبال حل مشکلات ایران و آمریکا است و می خواهم با ترامپ مسابقه شنا بگذارم.

نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری،
چقدر دغدغه فرهنگ و هنر دارند؟

فرهنگ و هنر، گمشده‌ی شعارهای انتخاباتی

سعید شهریار



جمعه دهم اسفند ۱۳۷۵ در شلوغی تالار وحدت مراسم اختتامیه پانزدهمین جشنواره فجر بود که سید محمد خاتمی رئیس کتابخانه ملی، که در کارنامه اش تکیه بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را داشت به میان هنرمندان آمد. هنرمندان خیلی مشتاق و خوشحال از او استقبال کردند و این دیدار پرشور جرقه ای شد تا مشاوران خاتمی چشمشان برق بزند. می شود با تشکیل ستاد هنرمندان، این جمعیت را به عنوان قشر تاثیرگذار در کنار خاتمی داشته باشند. در آن فضای به شدت دوقطبی شده، در دوم خرداد ۱۳۷۶ سید محمدخاتمی با ۲۰ میلیون رای به پاستور رفت ولی همراهی اهالی فرهنگ و هنر را فراموش نکرد.

ریاست جمهوری سیزدهم هیچ کاندیدایی حرفی پیرامون فرهنگ و هنر نزده. می شود چنین گفت که سالی که نکوست از بهارش پیداست؟

روزهای پایانی دی ماه ۱۳۹۸، حسن روحانی خسته از جنگ فرسایشی داخلی با دولت های پنهان و سایه، گزارشی را در کارتا بل ریاست جمهوری دید با عنوان COVID-۱۹. احتمالاً فکر کرده میان آوار دیوانه بازی های ترامپ و خارج شدنش از برجام، این تحفه جدید از کجا آمده؟ با گسترش کرونا و اجرایی شدن قرنطینه، سینماها، تئاترها، کنسرت های موسیقی و گالری ها همه به محاق رفتند بدون اینکه کسی فکر کند افراد ذینفع از چه راهی باید ارتزاق کنند! هنرمندانی که نه بیمه بیکاری داشتند نه کارفرمای دوراندیش و نه اندوخته مالی که چند صباحی از جیب بخورند. حتی وزارت کار هنرمندان را به

مردان میدان سیاست دیگر متوجه میزان تاثیر حضور هنرمندان شده بودند و از آن دوره به بعد یکی از اقدامات مهم کاندیداها، سازماندهی ستاد هنرمندان برای حمایت بود و بخشی از برنامه ها و وعده ها هم شعارهای خوش آب و رنگی بود که به مذاق هنرمندان و فرهنگ مداران خوش بیاید. هرچند معمولاً بعد از به قدرت رسیدن کاندیداها، دیگر کسی جواب سلام هنرمندان را هم نمی داد و آنچه بر جا می ماند تعدادی عکس یادگاری بود که در ماه عسل انتخابات گرفته بودند.

مردم ایران دیده اند چطور در سپهر سیاست، ساسی مانکن می تواند با شیخ مهدی کروی قدم بزند یا امیر تتلو روی کاناپه کنار سید ابراهیم رئیسی بنشیند و درباره تتوی دستش صحبت کند. ولی این بار در فصل سرد رقابت های

عنوان یک رشته شغلی به رسمیت نمی شناسد.

چند ماه دیگر، صبح یکی از روزهای نیمه مرداد ۱۴۰۰ رئیس جمهور سوگند یاد می کند و سکان را بدست می گیرد. اما نمی دانیم او می داند با انبوه هنرمندان زمین گیر شده از پی آمد کرونا چه باید بکند؟ توانمند سازی دوباره این قشر عزمی جزم می خواهد و تازه بعد از سرپا شدن هنرمندان باید فکری بحال مخاطبان شود تا آنچنان چرخ معیشتشان بچرخد که بتوانند مازاد آنرا اختصاص دهند به تئاتر و سینما و موسیقی رفتن و کتاب خریدن و ...

حکایت هنرمندان حکایت همان مرغ عروسی و عزاست. هرگاه صحبت از زینت المجالس بودن باشد در صدر مجلس و محفل هستند اما به محض کوچکترین تلاطمی در دریای طوفان زده اقتصاد مملکت اولین چیزی که کم یا حذف می شود بودجه های فرهنگی هست. مردم هم که سرمایه اصلی هستند چنان درگیر حساب کتاب زندگیشان شده اند و چشم در چشم گرانی افسارگسیخته، زهره ترکانده اند که چیزی به اسم سید فرهنگی برایشان قرتی بازی محسوب می شود. حالا در این شرایط سیاسی، اقتصادی و پسمادهای کرونایی بعید است دولت سیزدهم بتواند معجزه ای کند. بر فرض که بخواهد تکاپویی هم داشته باشد قدم نخست را در زمین قوانین مجلسیان باید بردارد.

مجلس یازدهم دومین سالش را آغاز کرده و حداقل در سه سال آینده باید با دولت بعدی تعامل کند. مرور مصوبات و اولویت های مجلسی که خود را مجلس انقلابی می نامد تاکنون حتی برای اصولگرایان حامی خودش هم پرسش برانگیز بوده و در مواردی چنان به رنگ سیاست های هیجانی آغشته شده که بعید است رونق تولیدات فرهنگی و هنری جایی در طرح ها و لوایح و مصوبات داشته باشد. اگر هم بخواهیم فرض کنیم که دولت بخواهد با آئین نامه ها و لوایح گشایشی بوجود بیآورد، اول باید دید رئیس دولت چه کسی خواهد بود. رئیس جمهور از میان لیست هفت نفره شورای نگهبان خواهد بود. این هفت نفر را در واررسی آرشيو رسانه ای کنکاش می کنیم. هیچوقت دغدغه ای و راهکاری برای حوزه فرهنگ و هنر نداشته اند. از شعارهای کلیشه ای حول محور رسالت مهم فرهنگ

و هنری ارزشمدار و موافق با سیاست های رسمی که بگذریم، تاکنون هیچکدامشان راهکاری برای مشکلات اهالی فرهنگ و هنر نداشته اند. به تیم همکاران و مشاورانشان هم نمی شود امیدی داشت. چرا که تجربه ثابت کرده پیشینه کاری و نگاه فکری رئیس جمهور یا شاکله مجلس، تعیین کننده ماهیت همکارانشان است. وقتی هیچکدام این افراد سابقه ای در حوزه فرهنگ و هنر نداشته اند طبیعی است که همکارانشان در آینده هم چیزی باشند از جنس خودشان.

این نگاه به آینده به این معنا نیست که آنچه در دولت یازدهم و دوازدهم رخ داد گل و بلبل بود و مدیران فرهنگی توانستند شق القمر کنند. چه در گستره کشوری و حتی در همین استان خودمان. اگر بخواهیم چند سیاست راهبردی و ماندگار که منجر به پی اندازی رخدادی ریشه ای و تاثیر گذار شده باشد را نام ببریم دستمان خالی است. اینکه یکسری کارهای روتین و مناسبتی با تاثیرگذاری مقطعی و سطحی در سال های گذشته انجام می شده اما در دوره دولت فعلی تعدادشان بیشتر شده، نمی تواند نشانه رشد فرهنگی باشد. مخصوصا که گاهی دلیل اصلی این رشد چند برابری، نه از سر دغدغه فرهنگی مدیران، بلکه بیشتر میدانی برای یکه تازی دوستان و رفقای گرمابه و گلستان بوده تا با بیشتر کردن تعداد کارها، سهم بیشتری از بودجه و امکانات ببرند بدون اینکه چیزی بر کیفیت افزوده باشند و دریغ از یکبار نشستن با اهالی فرهنگ و هنر برای آسیب شناسی مسیری که در هشت سال گذشته پیمودند.

نگاهی به نامزدهای این دوره از انتخابات نشان می دهد برخی از آنان به شدت قائل به خودی و ناخودی کردن افراد هستند و در بیانیه ها و شعارهایی که در گذشته داده اند و می دهند نشانی از توجه به حوزه فرهنگ و هنر نیست. این یعنی که ما بزودی شاهد یک تقسیم بندی خودی و ناخودی بین هنرمندان و اهالی فرهنگ خواهیم بود. آسیبی که یکبار در دولت های نهم و دهم رخوت و سطحی نگری و شعارزدگی را جایگزین خلاقیت و تنوع کرده بود. این بار هم هنرمندان مرغ سربیده ی این عروسی و عزا خواهند بود.

یزد از رئیس آینده پاستور چه انتظاری دارد

فاطمه رهبر

۱۴۰۰؛ سالِ مطالبه رفع گره اقتصاد

در حالی که انتخاب رییس جمهور به امید رفع مشکلات کشور انجام می شود، اما در پایان دولت ها پرونده بسیاری از مشکلات باز می ماند. این بار بزرگترین مشکلات و انتظارات از رییس جمهور آینده شکل یکدست تری به خود گرفته است، وقتی در جواب «از رییس جمهور آینده چه انتظاری دارید؟» پای اقتصاد به میدان می آید. انتخاب رییس جمهور یکی از مهمترین اصول نظام های مردم سالار است که با رای مردم، در راس یک تصمیم سیاسی، فرد منتخب سکان مدیریت کشور را برعهده می گیرد. هرچند تاکنون این سیستم مردم محور، منجر به انتخاب رییس جمهور شده است اما کمتر مردم تا پایان دولت ها از عملکرد رییس جمهور منتخب راضی بودند، مسئله ای که به عدم تحقق اهداف، شعارها و آرمان های رییس جمهورها مربوط می شود. وضعیت کنونی کشور ما با توجه به مشکلات اقتصادی و سیاسی عمده مطالبات را به سمت رفع مشکلات اقتصادی و اقدام برای رونق و پویایی اقتصاد سوق می دهد و شاید توجه به دیگر حقوق در این خصوص مغفول مانده است. به سراغ چند نفر از مسئولان در بخش دولتی همچنین بخش خصوصی رفتیم تا در خصوص انتظارات و توقعاتشان از رییس جمهور آینده پرس و جو کنیم. از آن ها پرسیدیم از مهمان آینده ی پاستور چه انتظاری دارند؟

از مناطق محروم با محور ایجاد اشتغال و کارآفرینی در این مناطق از جمله دیگر مسائلی است که رییس جمهور آینده می‌تواند دنبال کند.

عظیمی با اشاره به این که سوق دادن سرمایه‌ها به مناطق محروم باید با مشوق‌های عملیاتی و برنامه‌ریزی در این زمینه انجام شود، می‌گوید: باید در خصوص استقرار صنایع نسبت به تامین زیرساخت‌های لازم اقدام کنند و البته باید به بازنگری عملیاتی نقش کوچکترین واحدهای تقسیمات کشوری که در چهار سطح دهستان، استان، کشور و فضای بین‌المللی مطرح است، توجه شود. علاوه بر آن، باید تمام صنایع کشور را براساس مزیت‌ها و با در نظر گرفتن خطوط قرمز مسائل زیست محیطی، سلامت مردم و حفظ شان ملت ایران توسعه داد.

● مبارزه با رانت و فساد

به سراغ رییس اتاق بازرگانی، معدن، صنعت و کشاورزی رفتیم که بزرگترین پارلمان بخش خصوصی است. محمدرضا قمی نیز در خصوص انتظار از رییس جمهور آینده تصریح می‌کند: بحث روز کشور و ملت ما بحث اقتصاد است و فقط از رییس جمهور انتظار داریم در زمان تبلیغات انتخاباتی برنامه‌هایی که بتواند در خصوص مدیریت تورم و اشتغال موثر باشد را ارائه دهد. برنامه وی باید نشان دهد که او چگونه می‌خواهد اشتغال را افزایش و تورم را کاهش دهد و کشور را از رکود خارج کند.

وی که آرزومند رفع مشکلات اقتصادی از سوی رییس جمهور آینده است، اظهار می‌کند: مبارزه با فساد، رانت و تورم خواسته‌هایی است که من معتمد با آن‌ها مشکلات کشور حل خواهد شد.

● تحقق نشاط اجتماعی با گردشگری

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری یزد نیز با بیان این که نشاط اجتماعی در جامعه مغفول مانده است، می‌گوید: نشاط اجتماعی در کنار اقتصادی پویا با حفظ و ترویج فرهنگ اصیل ایرانی از مهمترین

نائب رییس شورای حوزه‌های علمیه استان یزد در گفت‌وگو با پرگار اینگونه پاسخ می‌دهد: تخصص و پای کار بودن باید اولویت اهداف و برنامه‌های رییس جمهور آینده باشد. رییس جمهور آینده باید در رفع مشکلات قشر ضعیف جامعه اقدام کند و همانطور که فرموده امام راحل است، یک تار موی این افراد را نباید به کاخ نشینان بدهد.

آیت الله سیدکاظم مدرسی با بیان این که اشتغال، مسکن و تحصیل جوانان نیز باید در اولویت برنامه‌های اجرایی رییس جمهور آینده کشور قرار گیرد، می‌گوید: جوانان باید در اولویت باشند و به اصل حفظ بنیان خانواده در این توجه، پرداخته شود.

امام جمعه بخش مرکزی یزد اقتصاد و معیشت مردم را نیز جزو اولویت‌های ریاست جمهوری می‌داند و از رییس جمهور آینده متوقع است که اصل این حوزه را نیز با محور توجه به قشر آسیب دیده دنبال کرد. اولویت بعدی فرهنگ است و علاوه بر آن، معتقد به مذاکره همراه با عزت، قدرت و مصلحت هستیم.

● اعتماد بیشتر به بخش خصوصی

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار یزد نیز با بیان این که برای ارتقای جایگاه کشورمان باید به بخش خصوصی اعتماد بیشتری شود، می‌گوید: روی آوردن به فضاهای کسب کارهای نوپا و خلاق و همچنین دانش بنیان و اجرای ۲۴ بند اقتصاد مقاومتی و مدیریت بیشتر یارانه بر محصولات متعدد از اولویت‌های رییس جمهور آینده باید باشد.

سیدمسعود عظیمی اضافه می‌کند: مباحثی مانند نهاده‌های کشاورزی همچون گندم و پرداخت سوسید به تولیدکننده به جای مواد اولیه و اجرای برنامه‌های توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی باید اعمال شود.

به گفته او، نقش آفرینی بیشتر دولت در حوزه‌های کسب و کار به خصوص دریافت نظارت بخش خصوصی در مورد بودجه‌بندی سالانه و همچنین انتظار برای ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای و محرومیت زدایی

انتظارات ما از رییس جمهور آینده است.

سیدمصطفی فاطمی تصریح می کند: گردشگری مهمترین راه حل این مسئله است البته روسای جمهور آرمان های زیادی را برای گردشگری ترسیم می کنند اما در عمل شاهد هیچ اقدام موثری نیستیم.

این مسئول عملگرایی و اقدام برای گردشگری را مطالبات از رییس جمهور آینده می داند و می گوید: امیداور هستیم رییس جمهور آینده عملگرا باشد. اقتصاد مهمترین مطالبه جامعه حتی بخش دولتی از رییس قوه مجریه است، مطالبه هایی که البته در دوره های قبلی و تجربه مردم نشان داد که عمدتا در قالب شعار مانده و دست نخورده به دولت بعدی تقدیم می شود. با این وجود، بدون هیچ قضاوتی، امیدوار به رفع مشکلات اقتصادی جامعه از سوی دولت جدید و رییس جمهور آینده هستیم. البته مطالبات بعضا از توجه صرف به رفع مشکلات اقتصادی شکل و شمایل تخصصی تری به خود می گیرد که در مجموع مانند همه دغدغه، رفع مشکلات اقتصادی را به همراه دارد.

● انتخاب وزیر پر توان

رییس جامعه هتلداران استان یزد در پاسخ به این پرسش تصریح می کند: انتخاب وزیر بسیار قوی که شناخت کافی از گردشگری داشته باشد و قدرت چانه زنی بالایی داشته باشد.

سید امیرناصر طباطبایی از انتخاب کارشناسان خیره و باتجربه در بدنه وزارت نیز یاد می کند و می گوید: انتخاب کارشناسان نه براساس فقط کارشناس بودن، بلکه باید براساس تجربه کار کردن در بدنه گردشگری و آشنایی با این سیستم باشد.

● اجرای سند سازگاری

مدیرعامل آب منطقه ای یزد در پاسخ به این سوال که «انتظار شما از دولت آینده چیست؟» اظهار می کند: با توجه به محدودیت هایی که در کشور وجود دارد قطعاً در دولت آینده نگاه به توسعه پایدار ضروری است و توسعه پایدار زمانی اتفاق می افتد که منابع طبیعی به عنوان پایه های این توسعه را پاس داشته و حفظ کنیم چرا که اگر این منابع از بین بروند، امکان تجدید و باقی

ماندن آن ها برای نسل های آینده وجود ندارد.

محمد مهدی جوادیان زاده با بیان این که منابع آبی دچار محدودیت هستند، می گوید: ضروری است که برای توسعه کشور به شکل پایدار از این منابع استفاده شود. همه استان ها در کشور برنامه سازگاری خود را ارائه کردند، اقدام سنگینی بود که هر چند نواقصی دارد و نیازمند بازنگری است، به تکمیل نیاز دارد.

وی با بیان این که این مصوبه دستگاه ها را از بی برنامه گی نجات داد، می گوید: در حال حاضر نقشه راهی پیش روی ما قرار گرفته است که باید بدانیم گام بعدی را کجا می گذاریم و کدام بخش ها مورد تاکید هستند.

جوادیان زاده مهمترین گام را حمایت سیاستگذاران از اجرای این برنامه ها می داند و می گوید: اگر سیاست گذاران حمایت کنند می توانیم با پیشبرد و اجرای این سند، کشور را بیمه کنیم. این سند منفعت هیچ بخشی را قطع نکرده و با دید توسعه و با تاکید بر خودکفایی کشاورزی و غذایی و راحتی شهروندان در استفاده از آب شرب قابل اجراست و از هدر رفت انرژی با تاکید بر سازگاری می تواند منابع آبی را حفظ و توسعه را به همراه داشته باشد.

مدیرعامل آب منطقه ای یزد در مورد مصادیق این سند سازگاری تصریح می کند: یکی از مهمترین مصادیق این برنامه سازگاری، مربوط به کشاورزی و افزایش راندمان آن از ۲۵ درصد به ۸۰ درصد است.

جوادیان زاده در پایان تصریح می کند: این برنامه، هزینه و جای کار زیادی دارد اما نشدنی و غیرممکن نیست و می تواند آینده کشور را بیمه کند.

● کمک به شکل گیری پردیس های فناوری

رئیس دانشگاه یزد در پاسخ به این سوال که مهم ترین انتظار شما از رئیس آینده ی پاستور چیست؟ به جایگاه آموزش عالی اشاره می کند و می گوید: بیشترین انتظار ما حفظ حرمت معلم و استاد و همچنین حفظ جایگاه آموزش عالی است.

قاسم برید لقمانی با تاکید بر مشکلات موجود در صنعت و جامعه تصریح می کند: بی شک باید برای رفع مشکلات صنعت و جامعه تلاش کرد. یکی از راه حل

وی با اشاره به این که انتقال آب موجب توسعه استان می شود، تصریح می کند: اما این توسعه بدون برنامه ریزی موجب شکنندگی زیست بوم می شود و به پایداری سرزمین نخواهیم رسید.

درجوش در پایان تاکید می کند: اگر یزد نگیں سبز کویر است باید گوهر را برای این نگیں انتخاب کنند و لازمه این مقوله نیز ارتقای کیفیت به جای کمیت است.

● تثبیت قیمت ارز

محمد رضا ریحانی مدیر یک کارخانه کاشی است و به گفته ی خودش ۲۲ سال است که در زمینه ی صنعت سرمایه ک فعالیت دارد او مهم ترین درخواستش از رئیس جمهور آینده را تثبیت نرخ ارز می داند و می گوید: با تثبیت نرخ ارز تکلیف تولید کننده، صادرکننده و وارد کننده مشخص شده و می تواند برای ۶ ماه آینده برنامه ریزی داشته باشد.

وی ادامه می دهد: شاخص قیمت ارز از این نظر که در قیمت تمام شده ی کالا و در نتیجه تصمیم گیری برای اینکه صادرات صورت بگیرد یا نه بسیار تاثیر گذار است.

ها ایجاد پردیس های علم و فناوری در کنار دانشگاه هاست که امید است رئیس جمهور آینده این موضوع را در بخش آموزش عالی مد نظر قرار دهد.

● سیاست گذاری بر اساس حفظ محیط زیست

یکی از فعالان محیط زیست و آب با بیان این که باید دولت آینده سیاست گذاری و برنامه ریزی خود را بر اساس حفظ شرایط زیست پذیری سرزمینی انجام دهد، به خبرنگار پراگار می گوید: این پهنه ی سرزمین جای زیستن مور، مار، ملخ، گرگ و گیاه و تمام موجودات زنده این سرزمین است و این اتفاق تا زمانی که برنامه ریزی درستی نشود، محقق نخواهد شد.

حسین درجوش تصریح می کند: توسعه منافاتی با حفظ شرایط محیط زیستی ندارد و ما قرن ها با همه تنوع اقلیمی از کویر تا مناطق پر باران و حتی در کویر لوت نیز در کشورمان شاهد هستیم، زندگی پایدار را نیز داشتیم.

این فعال زیست محیطی تصریح می کند: پایداری پیش زمینه توسعه است در حالی که اکنون با مفهوم نادرست توسعه پایدار مسیر اشتباهی را پیش می رویم چرا که توسعه سرزمینی مفهوم درستی است و توسعه پایدار معنایی ندارد.



ضرورت تقویت تشکل‌های کارگری در استان یزد
در گفتگو با سرپرست اداره کار و امور اجتماعی:

تشکل‌های کارگری در یزد؛ کمیت بی کیفیت

مریم دره شیری

کارگر و نیروی شاغل در صنایع، کارخانجات و امور خدماتی، همیشه یکی از مسائل پر از حرف و حدیث در کشور بوده است. این قشر کم درآمد و همیشه در حاشیه، در طی این سال‌ها بیشترین ضربه را از بحران‌های اقتصادی خورده‌اند. قشری که نه می‌توانند در تورم مانند مغازه‌داران، جنس‌هایشان را گران‌تر کنند تا هزینه آن از جیب مردم پرداخت شود و نه مانند کارمندان دل‌خوش به مزایا و حقوق سر وقتشان باشند. آمار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مبنی بر وجود ۳۰۰ هزار نفر بیمه شده مستقیم تأمین اجتماعی، موبد حضور حداقل بیش از ۲۰۰ هزار نفر کارگر در یزد است. جامعه‌ای با جمعیت زیاد که یزد را به یکی از قطب‌های صنعت و معدن کشور تبدیل کرده است اما به نظر می‌رسد خودش همچنان در تأمین مشکلات اولیه جامعه‌اش دچار مشکل است. شاید همین موضوع، فلسفه وجودی تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری از همان ابتدای پیدایش مشاغل کارگری و تدوین قانون کار در کشور بوده است و در یزد نیز ۲۹۱ تشکل و اتحادیه با ۷۵ هزار عضو برای اعاده حق این کارگران تاسیس شده‌اند اما اینکه تا چه حد در انجام وظایف خود موفق عمل کرده‌اند، موضوع قابل توجهی است.



● اتحادیه های کارگری نمی توانند یا نمی خواهند؟

یکی از مهم ترین دغدغه ها و مطالبات تشکل های کارگری، پیگیری موضوع حقوق و دستمزد و رفع مشکلات کارگران با کارفرمایان در این مورد است اما گزارش های میدانی و گفتگو با کارگران به این مسئله اذعان دارد که در حال حاضر برخلاف آنچه به نظر می رسد کارگران اگر مشکلی با کارفرما و در خصوص حقوق و دستمزد داشته باشند، ترجیح می دهند با روش کدخدامنشی آن را حل و فصل کنند و برخی از تشکل ها و اتحادیه ها نیز ترجیح می دهند با چاپ بروسور و کاتولوگ، مباحث آموزشی و فرهنگی را دنبال کنند که این معضل، به آن ها شکل تشریفاتی و فرمالیته داده است. البته مشکل دیگری هم وجود دارد و آن اینکه اکثریت کارگرانی که مشمول قانون کار هستند، دارای قرارداد موقت بوده و آن ها رغبتی برای عضویت و انتخاب شدن در تشکل های کارگری ندارند و همین یکی از عوامل عدم توسعه تشکل های واقعی کارگری شده است.

سرپرست اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی آمار اتحادیه ها در یزد را ۶۱ شورای اسلامی کار، ۴۶ مورد انجمن صنفی کارگری، ۶۶ انجمن صنفی کارفرمایی، ۱۰۴ نماینده کارگر، یک مجمع صنفی کارگران استان، ۱۰ کانون کارگران بازنشسته شهرستان، یک کانون کارگران بازنشسته استان، یک کانون همهانگی شورای های اسلامی کار استان، یک

مجمع اسلامی کارگران استان در یزد و یک کانون انجمن صنفی کارفرمایی اعلام می کند که ۲۶ تشکل کارگری نیز در سال گذشته شروع به فعالیت کرده اند که البته با توجه به این آمار ارائه شده، کارگران باید اوضاع بسیار مناسب تری را تجربه کنند اما همیشه اوضاع آن طور که باید باشد، نیست.

عماد تشکری بحث کم توان بودن اتحادیه های کارگری را رد می کند، اما معتقد است هرچه مشارکت کارگران بیشتر باشد، اتحادیه ها و تشکل ها بیشتر می توانند به وظایف اصلی خود بپردازند و به وضع معیشتی کارگر کمک کنند اما مشارکت کم کارگران، آن ها را کم توان تر می کند.

وی، دخالت کارفرما در انتخابات و نحوه شکل گیری تشکل ها، نبود بودجه مناسب و ارتزاق از حق عضویت کارگر و البته سلیقه افراد مختلف در اداره تشکل را از مشکلاتی عنوان می کند که به عدم تامین منافع کارگر منجر می شود.

تشکری در پاسخ به اینکه تا به حال این اتحادیه ها چه دستاورد یا تاثیری در روند زندگی کارگر داشته اند، می گوید: تشکل های صنفی شامل افرادی می شود که در یک رشته یا حرفه مشترک و دارای منافع و نیازهای مشترکی هم هستند. آن ها پیگیر مطالبات و منافع صنفی جمعی هستند و در حوزه شغلی، نحوه اجرای قانون را پیگیری می کنند. به جای اینکه اعتراضات به صورت انفرادی توسط

کارگر بیان شود تشکل یا انجمن پیگیری می‌شود و این مسئله باعث می‌شود کارگران در اعتراضات ترس از دست دادن شغل خود را نداشته باشند و با قوانین کار هم بیشتر آشنا شوند.

● افزایش دستمزد کارگر یا کم بنیه شدن تولید

هرچند تشکری معتقد است آنچه امروز در جامعه مشاهده می‌شود، سنگینی کفه ترازو به نفع کسب و کار و تولید بیشتر و بی توجهی به قشر کارگر است. دستمزدی که کارگران را چند درجه زیر خط فقر نگه داشته است. سرپرست اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی با بیان اینکه درصد دستمزد نیروی انسانی کارگری در تولید بین ۵ تا ۷ درصد است، تایید می‌کند که هزینه کاهش تورم را باید با بهبود مدیریت و تکنولوژی جبران کنیم و نه از جیب کارگر.

تشکری با مثالی این گفته اش را موشکافی می‌کند: در نظر بگیرید الان کاشی متری ۵۰ هزار تومان باشد که تنها ۷ درصد این قیمت، دستمزد کارگر است. اگر درصد دستمزد را دو برابر کنید، یعنی ۱۴ درصد هزینه این محصول صرف دستمزد شود، قیمت کاشی متری ۳۵۰۰ تومان افزایش پیدا می‌کند که برای مصرف کننده نیز فشار زیادی ایجاد نمی‌کند اما کارگر با دستمزد دو برابر، می‌تواند بخشی از مشکلاتش را حل کند و با توجه به اینکه کارگران بخش عمده ای از جامعه را تشکیل می‌دهند، این مسئله باعث افزایش گردش مالی در بازار هم می‌شود. البته با توجه به اینکه در حال حاضر دلیل افزایش قیمت هیچ کالایی شفاف سازی نمی‌شود، به نظر می‌رسد این افزایش قیمت آن قدر عادی شده است که شهروندان قرار نیست به فکر دلیل این گرانی باشد.

● یزد، نیازمند کارگر غیربومی

مسئله بعدی جامعه کارگری، بحث پرحاشیه کارگران غیر بومی در یزد است که سرپرست اداره کار استان آب پاکی را روی دست مخالفان کارگران غیر بومی در یزد می‌ریزد و می‌گوید: واقعیت این است که نیروهای غیربومی، جای کارگران یزدی را نگرفته‌اند. آن‌ها جایگزین کارهایی شده‌اند که یزدی‌ها تمایلی برای انجام آن ندارند و صنعت یزد به آن‌ها نیاز دارد و اگر بخواهیم اقدامی جهت عدم حضور کارگران غیربومی انجام دهیم، بخشی از صنایع یزد دچار آسیب می‌شود.

وی ادامه می‌دهد: اینکه تعداد کارگران غیربومی در یزد

افزایش پیدا کند، معضل محسوب نمی‌شود زیرا موجب تسهیل برنامه ریزی برای پارامترهای توسعه می‌شود اما آنچه باید در نظر گرفته شود، کنترل مهاجرت و مهاجرت بر اساس نیاز است که متأسفانه این بخش رها شده است. یزد استان مهاجر پذیر است، اما این مهاجرت به بخش‌های رانده شده از شهرهای دیگر اختصاص یافته که فرهنگ عمومی یزد را دچار مشکل می‌کنند و باید کنترل شود که کارگر تحصیلکرده و حرفه ای وارد یزد شود و نه یک کارگر صفر.

● بیکاری در یزد وجود ندارد!

تشکری با اشاره به تغییر سلیقه و طبع مردم یزد در انتخاب شغل می‌گوید: درصد آمار بیکاری در یزد، متعلق به نیروهایی است که به دنبال ارتقای کار هستند و یا به دلیل تغییر فرهنگ خانواده‌ها، زنان تحصیلکرده ای که متقاضی ورود به بازار کار هستند اما نه با یک کار ساده بلکه کار بهبود یافته و گرنه برای حتی پست کارگر ماهر در صنایع یزد، متقاضی وجود ندارد و صنایع برای تکمیل ظرفیتشان دچار مشکل هستند. به طور مثال در کارخانه شیشه اردکان ۳۰۰ نیروی کار مورد نیاز است و اردکان هم ظرفیت کارگر غیربومی را به دلیل اسکان آن‌ها دارا نیست اما هنوز نتوانسته‌اند این نیرو را تامین کنند چون یزدی‌ها حاضر نیستند کارگری کنند. در حال حاضر هر فردی در یزد، اگر تخصص فنی یا در حرفه ای مهارت داشته باشد، بدون مدرک دانشگاهی هم می‌تواند در یزد کار پیدا کند و بیکار نماند.

وی با اشاره به اینکه دلیل بیکاری جوانان تحصیلکرده یک مشکل کشوری است، اضافه می‌کند: در سال‌های اخیر این دیدگاه در جامعه رواج پیدا کرده است که راه ورود به بازار کار، ورود به دانشگاه است. شاید دانشگاه‌ها در جهت ارتقای فرهنگ جامعه مفید واقع شده‌اند اما باعث شده جوانان فرصت کارورزی و کارآموزی را از دست بدهند و باید پذیرفت که حتی اگر همه تحصیلکرده باشند، بازهم نمی‌توانند شغل پشت میز نشینی و مدیریت داشته باشند. تشکری در پاسخ به این پرسش که اداره کار چه تمهیداتی برای شاغل شدن افراد بومی یزد در نظر گرفته است، می‌گوید: در منابعی که برای ایجاد اشتغال روستایی داشتیم، اولویت با نیروی بومی همان شهرستان گذاشته شد و دوم اینکه چون بیشتر مشکل بیکاری ویژه افراد تحصیلکرده بود، در بحث مشاغل خانگی نیز تمرکز بر اشتغال افراد تحصیلکرده بومی است.

بررسی ابعاد خودکشی در گفتگو با مدیر گروه سلامت روانی –
اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی:

تلخی یک مرگ؛ آمار خودکشی رو به افزایش است

مقوله خودکشی یکی از آسیب های اجتماعی است که رسانه ها در پرداختن به آن همواره با چالش های جدی مواجه هستند. اعلام آمار خودکشی در کشور یکی از تابوهای مسئولان است که سعی می کنند، عنوان نشود. خودکشی در بیشتر موارد زاینده فقر و فقر حاصل تبعیض، بی عدالتی، بیکاری و نداشتن درآمد مناسب در مقابل افزایش هزینه های زندگی است. پدیده فقر و تبعیض در کشور به گونه ای است که خانواده ها و سرپرستان خانوار برای جبران افزایش خط فقر با مشکلات روحی و روانی عدیده ای مواجه هستند. در کنار آن، جبر فرهنگی و اجتماعی موجب رشد میزان خشونت و بروز رفتارهای خشن و ناهنجار در درون خانواده و سپس انتقال آن به سطح جامعه شده است. افزایش میزان خودکشی و دگرکشی تنها بخش اندکی از تبعات اجتماعی این شرایط زندگی است.

مهتاب دره شیری



استان یزد هم چون استان های دیگر کشور از این قاعده مستثنا نیست. اگر چه مسئولان از ارائه آمار دقیق در این زمینه خودداری می کنند اما خبرها حاکی از این است که در یزد خودکشی در میان زنان بیشتر از مردان هست. همچنین رئیس سازمان اورژانس و فوریت های پزشکی یزد در گفتگو با خبرگزاری فارس از انجام ۷ ماموریت به دلیل اقدام به خودکشی تنها در اردیبهشت ماه سال جاری در یزد خبر داده است.

مدیر گروه سلامت روانی - اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، اقدام به خودکشی را یکی از مشکلات نسبتاً شایع در افرادی می داند که احساس می کنند نمی توانند برای مشکلات خود راه حل مناسبی پیدا کنند و به دلیل ناامیدی تصمیم می گیرند که به زندگی خود خاتمه دهند.

فاطمه زارع در بررسی آمارها به این نتیجه رسیده است که دو سوم کسانی که یک بار دست به خودکشی می زنند، در صورت دریافت نکردن درمان های تخصصی و یا حمایت های لازم از طرف خانواده، همان سال یا سال های بعد دوباره دست به خودکشی می زنند. ۴۰ تا ۶۰ درصد افرادی که اقدام به خودکشی می کنند، در یک ماه قبل از اقدام، یک پزشک را ملاقات کرده اند. وی شناسایی، ارزیابی و مدیریت بیمار دارای افکار خودکشی را از مهمترین وظایف یک پزشک می داند.

به گفته این کارشناس، مطالعات نشان می دهند که اختلالات روانپزشکی در ۸۰ الی ۱۰۰ درصد موارد خودکشی های منجر

بنا بر آمار سازمان پزشکی قانونی ایران، آمار قربانیان خودکشی طی ۸ ماه اول سال ۱۳۹۹، نسبت به مدت مشابه در سال قبل، بیش از ۴ درصد افزایش یافته است و بر پایه این آمار، می توان گفت روزانه دست کم ۱۵ نفر در ایران بر اثر اقدام به خودکشی، جان خود را از دست داده اند. در سال های اخیر، به ویژه همزمان با شیوع ویروس کرونا، آمارها از افزایش میزان خودکشی به خصوص در میان دانش آموزان و نوجوانان حکایت دارد و این یعنی، در حالی که ضریب خودکشی در ایران شیب افزایشی دارد، سن اقدام به خودکشی در حال کاهش است. این مسئله بسیاری از صاحب نظران را به این نتیجه رسانده است که این نوجوانان افرادی فاقد مهارت های ضروری از جمله مهارت های ارتباطی هستند تا بتوانند ارتباطی سالم در جامعه برقرار و در برابر آسیب ها از خود مراقبت کنند. از طرفی ارتباطات غیر عاطفی حاکم بر والدین و فرزندان به اضطراب و استرس درونی فرزندان، نپذیرفتن شکست در زندگی و اقدام به خودکشی می انجامد.

بر اساس گزارش های سازمان پزشکی قانونی، رایج ترین روش های خودکشی، مسمومیت با دارو یا سموم، خودسوزی، حلق آویز کردن، سلاح گرم، پریدن به سمت قطار یا مترو در حال کردن و پریدن از ارتفاعات و ساختمان های بلند است. استان های ایلام و کرمانشاه، بالاترین آمار خودکشی های منجر به فوت و استان های تهران و سیستان و بلوچستان در پایین ترین رده ها قرار دارند.

هشدار رخ می‌دهد و قابل پیشگیری نیست و این افراد قطعا قصد مرگ دارند که اشتباه است بلکه حقیقت اینست که بیشتر افرادی که خودکشی می‌کنند، هشدارهای قاطعی از تصمیمشان بروز می‌دهند و بسیاری از آنها دو دل هستند و می‌توان از اکثر خودکشی‌ها با مراجعه افرادی که تصمیم به خودکشی دارند به روانشناس و روانپزشک و ارزیابی اولیه توسط متخصص پیشگیری کرد. هر خودکشی حداقل بر شش نفر دیگر تاثیر بدی می‌گذارد و انتشار خبر و درج نادرست آن در رسانه‌ها، این عقیده را که خودکشی روش طبیعی برای حل مشکلات است، گسترش می‌دهد و باعث ایجاد موج خودکشی در جامعه می‌شود.

● دخالت ممنوع!

مدتی پیش ویدیویی از اقدام به خودکشی دختر جوان یزدی در میدان شهدای محراب پخش شد که یکی از شهروندان با دخالت غیر حرفه‌ای خود منجر به سقوط دختر از پل شد. به اعتقاد روانشناسان این افراد با خودکشی در ملأعام سعی دارند دیگران را در جریان مشکلات خود قرار دهند و تنها با انگیزه مطرح شدن این موضوع به عنوان دغدغه اجتماعی دست به این کار می‌زنند. اما اینکه چگونه می‌شد به این فرد کمک کرد، سوالی بود که در ذهن همه ما نقش بست ولی باید بدانید که روانپزشکان هرگونه حرکت و تلاشی را برای نجات جان فرد به دلیل این که هیچ‌گونه پذیرشی در خصوص نصیحت‌ها و حرف زدن ندارند، بی‌نتیجه می‌دانند و شهروندان تنها می‌توانند با تماس با مراکز مرتبط از این اقدام پیشگیری کنند.

از نظر علم روانشناسی فردی که قصد خودکشی دارد، هرگز به دنبال مرگ نیست. بلکه او به دنبال فرار از احساسات و باورهای ذهنی منفی و کشنده‌اش است و این موضوع نشان می‌دهد که یک فرد با انگیزه خودکشی را می‌توان با استفاده از متدهای جدید روانپزشکی درمان کرد. در اکثر موارد فرد بیمار به علت ترس از برچسب خوردن به عنوان یک بیمار روانی به روانپزشک مراجعه نمی‌کند و وضعیت روحی و روانی بحرانی می‌شود که رسانه‌ها می‌توانند با معرفی روانپزشک به عنوان یک درمانگر روحی و ضرورت مراجعه به آن، گامی به سوی کاهش این عمل بردارند. البته که هزینه‌های بالای درمان و مشاوره با روانکاو هم مزید بر علت است و وقت آن است که مسئولان برنامه‌هایی برای سلامت روان جامعه از کودکی تا بزرگسالی فرد در نظر بگیرند تا مهارت جامعه در کنترل خشم و ناامیدی ارتقا یابد و نشاط اجتماعی صورت گیرد.

به فوت، بر آورد شده است که شیوع طول عمر خودکشی در افراد مبتلا به اختلالات خلقی (عمدتا افسردگی) ۶ تا ۱۵ درصد، در الکلیسم ۷ تا ۱۵ درصد و در اسکیزوفرنی ۴ تا ۱۰ درصد بوده و در کل، خودکشی جزء سه علت مرگ افراد ۳۵-۵۱ سال است.

● نشانه‌ها را جدی بگیرد

وی علل خودکشی را بیشتر علل آسیب شناختی- روانی شامل بیماری‌های اعصاب و روان از جمله افسردگی می‌داند و اظهار می‌کند: معمولا حالت افسردگی و دل‌مردگی بعد از مدت کوتاهی از بین می‌رود و دوباره فرد به وضعیت عادی بر می‌گردد اما بعضی از افراد این حالت را به مدت طولانی دارند و یا حتی ممکن است این ناامیدی به مرور زمان حتی بیشتر هم شود و مشکلات دیگری مثل کم‌خوابی و کم‌اشتهایی هم به آن اضافه شود. در چنین حالتی از افسردگی صحبت می‌کنیم که این حالت برای چندین هفته وجود دارد. نشانه‌های عاطفی از افسردگی شامل غمگینی، ناامیدی، احساس گناه و نشانه‌های جسمی شامل خواب بیش از حد یا کم‌خوابی، کم شدن اشتها و یا خوردن بیش از حد، کم شدن یا از دست دادن میل جنسی و نشانه‌های رفتاری مثل گریه‌های بی‌دلیل، بی‌انگیزه بودن برای انجام وظایف روزانه، کناره‌گیری از دیگران و موقعیت‌های جدید، بی‌توجهی به ظاهر و... است.

زارع ادامه می‌دهد: تعداد زیادی از کسانی که اقدام به خودکشی می‌کنند قبل از اقدام، به گونه‌ای قصد خودشان را نشان می‌دهند. آگاهی از این نشانه‌ها و حد بودن مشکلات فرد می‌تواند در پیشگیری کمک کننده باشد. اگر شما فردی را می‌شناسید که در برقراری یک ارتباط هدفمند و یا رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده در موقعیت پراسترسی قرار دارد و یا حتی به دلیل شکست در امتحان دچار مشکل بوده، لازم است درصدد یافتن سایر علائم بحران برآئید. بسیاری از افراد غالبا با ابراز جملاتی همچون «دل‌م می‌خواهد خودم را بکشم» یا «نمی‌دانم چه مدت دیگر می‌توانم این فشارها و مشکلات را تحمل کنم» دیگران را مستقیما از برنامه خودکشی خود آگاه می‌کنند. گوش دادن به صحبت‌های او بسیار مهم است چرا که معمولا این گونه صحبت‌ها تلاش ناامیدانه فرد جهت برقراری ارتباط، دریافت کمک و درک مشکلاتش توسط دیگران است. وی با اشاره به باورهای عامیانه غلط در زمینه خودکشی می‌گوید: بسیاری معتقدند که کسانی که راجع به خودکشی صحبت می‌کنند، خودکشی نمی‌کنند یا این مسئله بدون

رئیس کمیسیون میراث فرهنگی شورای
اسلامی از خواهر خوانده های یزد می گوید:

تمام خواهران این شهر

شادی شفیعی



یا اعضای انجمن‌های قومی جریان امور را به دست می‌گیرند و کمیته خواهرخواندگی ایجاد می‌کنند و سپس از رهبران منتخب خود می‌خواهند همکاری رسمی بین دو کشور صورت گیرد. بعضی شهرها بخاطر هم نام بودن، یا بخاطر این که جشن و فستیوال مشابهی دارند با یکدیگر خواهرخوانده می‌شوند و در یک کلام یک نگاه و یا انگیزه ای مشترک، دو شهر را به سمت و سوی خواهرخواندگی سوق خواهد داد.

● ظرفیت‌های نامحدود، بهره‌برداری نامناسب

به گفته‌ی رئیس کمیسیون میراث فرهنگی و گردشگری شورای اسلامی شهر در حال حاضر یاسبرین مجارستان اصلی‌ترین خواهرخوانده شهر یزد است. سید حسین آزادی در گفتگو با پرگار با بیان این که بستن پیمان خواهرخواندگی مزایای بسیاری از نظر فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی برای شهرها دارد، می‌گوید: می‌توان از ظرفیت‌های این پیوند در بخش‌های مختلف تجاری و گردشگری بهره گرفت و رفت و آمدهای تجاری را آسان تر کرد.

این عضو شورای اسلامی شهر یزد معتقد است که بخش خصوصی به ویژه فعالان بخش اقتصادی و فرهنگی بایستی از این فضا و بستری که فراهم شده، بهترین استفاده را بکنند چرا که شورا از طریق دیپلماسی شهری به عنوان تسهیل گر، راه را برای همکاری‌های دوجانبه باز کرده است و اجزا مختلف استان باید در درست پیمودن مسیر با همکاری داشته باشند.

پیوند خواهرخوانده بودن بین دو شهر به رونق گردشگری و تجارت شهرها کمک می‌کند. یکی از مرسوم‌ترین کارهایی که برای آشنایی مردم دو شهر با یکدیگر انجام می‌شود، نام‌گذاری خیابان‌ها است، مانند خیابان یاس‌برین در یزد یا نصب نماد شهر پوتی گرجستان در یکی از میادین شهر. متأسفانه در حال حاضر ظرفیت‌های این پیوند به نصب نماد و المان و یا نام‌گذاری خیابان محدود شده است.

خواهرخواندگی‌ها بین شهرها برگرفته از شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن شهرهاست. چه بهتر است که این پیوندها خواهرخواندگی بین شهر یزد و دیگر شهرها، محدود به قلمروهای جغرافیایی خاصی نباشد و آنطور که حسین آزادی تأکید دارد بتوان ظرفیت بیشتری از این پیوند مورد استفاده قرار گیرد. به‌طوریکه اتاق بازرگانی باید از این ظرفیت نهایت بهره‌برداری را در بخش تجاری

از زمان بستن اولین پیمان خواهرخواندگی یزد نزدیک به ۱۴ سال می‌گذرد. اولین شهری که یزد با آن پیمان خواهرخواندگی بست، شهر یاسبرین مجارستان بود که در سال ۱۳۸۶ این عهد بسته و بعد از آن نیز این قرارداد با شهرهای دیگری هم امضا شد. یزد ۸ خواهرخوانده دارد، شهرهایی که هر کدام می‌توانند در توسعه فرهنگی، گردشگری و اقتصادی ظرفیت‌های مناسبی داشته باشند. یزد بیشتر از هر چیز به میراث فرهنگی و بناهای تاریخی اش شهره است. شهری که در یونسکو به ثبت رسیده و یک شهر جهانی است و به همین جهت ظرفیت‌های گردشگری زیادی دارد، اما این شهر با چند شهر از خواهرخوانده‌هایش از این جهت پیوند واقعی دارد؟ و اگر پیوند واقعی ای وجود داشته آیا توانسته از ظرفیت خواهرخواندگی‌اش برای معرفی پتانسیل‌های گردشگری و اقتصادی بهره کافی ببرد؟ تبادل دانشجو بین یزد و برخی از شهرهای خواهرخوانده و هم چنین سفرهای دو جانبه و برگزاری رویدادهای فرهنگی برای معرفی پتانسیل‌های گردشگری یزد از اقداماتی هستند که همواره مدیران شهری و دیگر مسئولان، آن‌ها را اقداماتی در راستای پیوند و همکاری یزد و شهرهای خواهرخوانده‌اش می‌دانند. رئیس کمیسیون میراث فرهنگی و گردشگری یزد در گفتگو با پرگار تأکید دارد که در بحث خواهرخواندگی‌ها باید از ظرفیت‌های موجود استفاده شود و دستگاه‌های مختلف هم در این پیوند و همکاری‌های مشترک شرکت کنند.

● خواهرخوانده‌ها چطور همدیگر را پیدا می‌کنند

در حال حاضر، شهر یزد با شهرهای هولگین جمهوری کوبا، یاسبرین مجارستان، جاکارتای اندونزی، هومس سوریه، نژی عمان، یئوسو کره جنوبی و سویا اسپانیا خواهرخوانده است. پشت بعضی از این خواهرخواندگی‌ها داستان‌هایی هست؛ مثلاً دو شهر یزد و یاسبرین. خود این دو شهر رابطه تاریخی‌ای با هم ندارند، اما داستانی، مردمان آن شهر را به ایرانیان ربط می‌دهد. یاسبرنی در صد کیلومتری شرق بوداپست، پایتخت مجارستان واقع است و مردم آن معتقدند که ایرانی‌الاصل هستند.

شهرها از راه‌های مختلفی یکدیگر را پیدا می‌کنند، گاهی شهردار دو شهر همدیگر را ملاقات کرده و با همدیگر آشنا می‌شوند و پس از آن مقدمات آشنایی و خواهرخواندگی شهرهای خود را فراهم می‌آورند. در موارد دیگر گروه یا افرادی از اجتماع، معلمان، تجار

صورت دهد و دانشگاه‌ها نیز باید ارتباط برقرار کنند.

رئیس کمیسیون میراث فرهنگی، گردشگری و امور بین‌الملل شورای اسلامی شهر یزد در ادامه می‌گوید: شهرداری امکانات لازم را برای آسان شدن این ارتباطات فراهم می‌کند، اما بهره‌برداری باید از سوی بخش خصوصی صورت گیرد و ما پیشنهاد می‌کنیم که همه بخش‌ها به‌ویژه بخش‌های مهم اقتصادی و فرهنگی در این حوزه زودتر وارد عمل شوند و از ظرفیت‌های خواهرخواندگی بهره لازم را ببرند.

● آسیب‌های خواهر خواندگی

از مهمترین آسیب‌های پیمان‌نامه‌های خواهرخواندگی، می‌توان به باقی ماندن آنها در حد یک امضا اشاره کرد. البته به گفته آزادی باید به این نکته توجه داشته باشیم که برخی خواهر خواندگی‌ها با هدف ایجاد یک رابطه فرهنگی بسته می‌شوند و یک قرارداد اجرایی نیستند، در حقیقت یک ابزار تمایل برای گسترش علائق و روابط فرهنگی است. البته اگر در جایی بتوان در قالب این پیمان‌نامه‌ها دست به کارهای اجرایی زد تا شهروندان نیز شاهد خروجی آن باشند، دست آورد بسیار مهمی بوده اما این امر مستلزم آماده سازی فضا و زیر ساخت است.

عضو شورای شهر یزد می‌گوید: شورای شهر یزد در نظر دارد که روابط خودش را با جهان بیش از پیش افزایش دهد و به همین دلیل پیمان خواهرخواندگی با بسیاری از شهرهای مطرح دنیا را در دستور کار خود قرار داده است. رئیس

کمیسیون گردشگری شورای یزد راه‌اندازی خانه خواهر خواننده‌ها در یزد را از اولویت‌های کمیسیون گردشگری و میراث فرهنگی نام می‌برد و اشاره می‌کند که هر کدام از این خواهرخواننده‌ها یک اتاقی به نام خود در این خانه خواهند داشت که اعضا در آن‌ها برای ایجاد تعامل بین شهرها فعالیت می‌کنند.

آزادی در خصوص عقد پیمان‌نامه‌های جدید خواهر خواندگی شهر یزد هم ادامه می‌دهد: در حال ارزیابی فضا و شرایط هستیم با توجه به شاخص‌های مدنظر برای انتخاب خواهرخواننده برای شهر یزد و با نگاه انتخاب شهرهایی که بتوانیم کمک‌های فنی و تجربی از آنها بگیریم عقد پیمان‌های خواهرخواندگی جدید را در دستور کار قرار داده‌ایم.

● دیپلماسی شهری

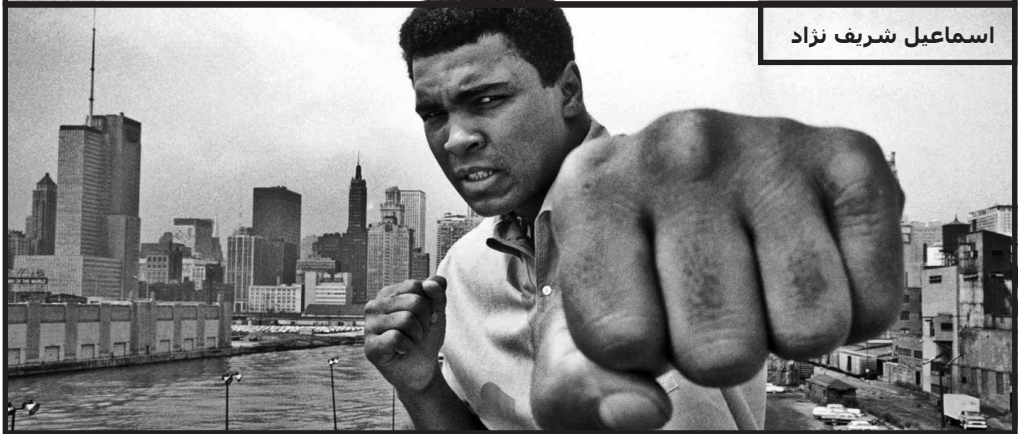
حمایت بخش خصوصی در رابطه با موضوع خواهرخواندگی شهرها از اهمیت زیادی برخوردار است. بهتر است که در طرح دیپلماسی شهری از کارشناسان و فعالان گردشگری و اقتصادی استفاده و ظرفیت فعال شهرها را در پیمان خواهرخواندگی شناسایی و پررنگ کرد. استفاده و بهره‌برداری مناسب از پیوند خواهرخواندگی به عنوان ابزار دیپلماسی شهری و همکاری بخش خصوصی و همین‌طور نهادهای اجرایی مرتبط می‌تواند به توسعه یزد در زمینه‌های گردشگری، فرهنگی و اقتصادی کمک کند.



حال و هوای یزد در هیجان انگیز ترین مسابقه اسطوره بوکس دنیا

از اتاق پنج دری در یزد تا رینگ بوکسی در مانیل

اسماعیل شریف نژاد



تغییر داد. همان چهره فتوتونیک با قدی بلند و چشمانی نافذ که توانایی او در بازی با کلمات و رجز خوانی هایش به همان اندازه رقص پایش در میدان نبرد جذاب بود. محبوب‌ترین ورزشکار غیر فوتبالیست جهان، پنج بار به بهانه‌های مختلف بر جلد مجله تایمز حضور داشت. سه مسابقه او با «جو فریزیر» جاودانه شد. فریزیر، قهرمان بوکس سنگین وزن جهان بود که توانست در ۸ مارس ۱۹۷۱ در مبارزهای که به «نبرد قرن» شهرت پیدا کرد، محمد علی کلی را در ۱۵ راند در «اسکوئر گاردن» شکست دهد. این اولین شکست محمدعلی کلی در طول دوران حرفه‌ای او بود. اما مسابقه سال ۱۹۷۶ این دو نفر در «مانیل» خاطره‌ای مشترک را برای چند نسل در ایران ساخته است. مسابقه ای که به وقت ایران حوالی ساعت ۵ صبح به صورت زنده پخش

مردی که دوست داشت بگوید «مثل پروانه می‌رقصد و مثل زنبور نیش می‌زند» مردی که می‌توانست با یک مشت، یک گاو را از پا در بیاورد. مردی که می‌گفت «بادیگارد من خداست». ورزشکاری که رؤسای جمهور برای عکس گرفتن با او یکدیگر را هل می‌دادند. انسانی که می‌توانست به شعاع حضور خود حال همه را منقلب کند. مردی که چند نسل در سراسر دنیا از او خاطره‌ای به یادگار دارند.

«کسیوس مارسلوس کلی جونیور» که بعد از آشنایی با پیشوایش «الیجا محمد»، رهبر سیاهان آمریکا که برای احقاق حقوق شهروندان سیاهپوست آمریکایی ۴۴ سال رهبری جنبشی موسوم به «امت اسلام» را به عهده داشت، عقاید مذهبی‌اش را بروز داد و نامش را به «محمدعلی»

است و همه بدون دغدغه سر و صدا می‌کردند. صحبت از این مسابقه تا چند روز بعد هم نقل محافل بود. بعدها زمانی که شنیدیم بیمار شده است بسیاری برایش دعا می‌خواندند. برای او احترام قائل بودند. فکر می‌کردیم که محمدعلی چگونه بوده و بعد از بیماری با آن همه هیبت، حالا چطور شده است.

«محمد سعیدی» مسابقه را از تلویزیون خانه همسایه‌شان در محله گازگاه دیده است. می‌گوید ما تلویزیون نداشتیم در واقع در تمام محله فقط یکی دو تا تلویزیون بود. از قضا یکی‌شان مال همسایه ما بود و من به واسطه دوستی با پسرشان گاهی اجازه داشتم تلویزیون تماشا کنم. از جادوی تصاویر که بگذرم مسابقه محمد علی کلی داستان دیگری بود. من ۱۳ ساله بودم عاشق دعوا و بز بزن. ساعت ۵ صبح محمد علی کلی مسابقه داشت و من هم اجازه پیدا کردم تا از تلویزیون آن را تماشا کنم در واقع با پدرم به خانه همسایه رفتیم. اصلا هم نگران نبودیم که این وقت صبح ممکن است کار درستی نباشد چون وقتی داخل شدیم تقریباً ۱۰ نفر دیگر از همسایه‌ها هم توی اتاق پنج دری روبروی تلویزیون نشسته بودند و منتظر شروع مسابقه. جالب اینکه خانم‌ها هم بودند همه تسبیح به دست و در حال دعا خواندن. حالا که خوب فکر می‌کنم آن فقط یک مسابقه نبود انگار یک اتفاق ملی برای همه ما بود که در یک کشور دیگر رخ می‌داد.

● تلویزیون‌هایی که برای محمدعلی از پستویبیرون آمد

«احمد شریف‌نژاد» که در آن سال‌ها در محله «مهرجرد» میبید زندگی می‌کرده از حال و هوای آن دوران می‌گوید: در بین هم‌سن‌سالان ما ورزش، مسابقه دادن و تیم تشکیل دادن خیلی مهم بود. مادر بزرگ من به معلم‌ها در کنار خانه‌اش اتاق می‌داد. من پنهانی می‌رفتم و در بساط یکی از معلم‌ها محله «دنیای ورزش» را می‌خواندم. تصور کنید در آن دوره یک مجله با جلد رنگی، پر از عکس‌های اسطوره‌های ورزش آن دوره ایران و جهان چاپ می‌شد. آشنایی من با این مسابقات از طریق همین مجلات ورزشی بود. عکس‌های این‌ها را بزرگ و رنگی چاپ می‌کردند. شاید سه یا چهار ماه قبل از مسابقه تاریخ تعیین می‌کردند و سر ساعت و دقیقه‌اش روزشماری می‌شد.

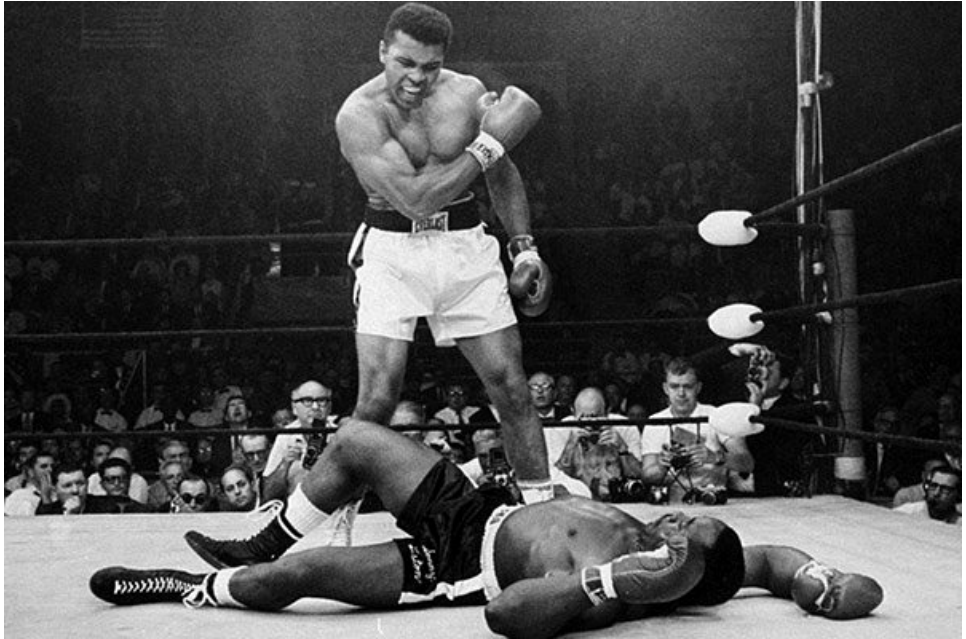
در تمام ولایت ما دو یا سه تلویزیون وجود داشت. خانواده‌های مذهبی خوب نمی‌دانستند که تلویزیون داشته باشند. در قشر

می‌شد. هنوز وقتی صحبت از این مسابقه می‌شود بسیاری هستند که لبخندی گوشه لبشان می‌آید. هنوز با احترام از محمدعلی کلی یاد می‌کنند و خاطره‌ای از دیدن این مسابقه دارند. خاطره‌ای که یک وجه مشترک دارد و آن هم جمع شدنشان در کنار یکدیگر هست. زمانی که عشق، دلخوشی مردم یزد را به مسابقه ای آن سوی دنیا پیوند داد. از اتاق پنج دری و پشت بام‌های کاهگلی یزد تا رینگ بوکسی در مانیل فیلیپین.

● همه دنیا در قاب تلویزیون شایب لورنس

یکی از شفاف‌ترین خاطرات زندگی‌ام است. این را «علی‌بحرینی» می‌گوید که اکنون مشغول به کسب و کار آزاد خودش است و ادامه می‌دهد: حدود ۱۵ سالم بود، خانه خاله‌ام بودیم. آن شب تا صبح نخوابیدیم. پدرم و دایی‌هایم و شوهرخاله‌ام کارت‌بازی می‌کردند که خوابشان نبرد و ۵ صبح بازی را بنیم. تلویزیون «شایب لورنس» لامپی قدیمی داشتیم که شبیه کمد بود و یک تلویزیون اعیانی در زمان خودش به حساب می‌آمد. آن موقع مسلمان شدن محمدعلی خیلی مورد توجه همه بود و همه می‌خواستند برنده شود. فکر می‌کنم دندان فریزر شکست. مطمئنم یک دندان در آن بازی شکست، دقیق یادم نیست، به احتمال زیاد دندان فریزر بود. واکنش‌های شوهرخاله‌ام از همه بیشتر بود. شور بیشتری برای پیروزی محمدعلی کلی داشت و با هر ضربه او هم تکانی به خودش می‌داد.

خانم «میرمحمدی» که در آن موقع در محله زرتشتی‌نشین نرسی‌آباد یزد زندگی می‌کرده، مسابقه قرن را به خوبی به یاد دارد می‌گوید: ساعت پنج صبح مسابقه شروع می‌شد ولی ما از یک ساعت قبل از آن بیدار شده بودیم. یادم می‌آید شوهر خواهرم تمام شب را نخوابید تا مسابقه را از دست ندهد. در محله شاید یک یا دو نفر تلویزیون داشتند، ما هم تلویزیون داشتیم. کم‌کم اهالی محل جمع شدند. خانم‌ها هم شور این مسابقه را داشتند. زن‌ها آمده بودند لب پشت بام که در جریان این مسابقه قرار بگیرند. در حد یک چایی از همسایه‌ها پذیرایی کردیم. خانم‌ها صلوات می‌فرستادند و تسبیح می‌گرداندند به این نیت که «محمدعلی کلی» برنده شود. بسیاری نذر داشتند که او برنده شود. خیلی از مردم بودند که آن شب خواب خود را صرف این مسابقه کرده بودند و شور و هیجان خاصی برای این مسابقه وجود داشت. اصلا فکر نمی‌کردی که چهار صبح است، انگار وسط روز



مذهبی مخالفت وجود داشت با برنامه‌هایی که از تلویزیون آن زمان پخش می‌شد. حتی «شیخ یحیی وحیدی» پدر «دکتر سراج وحیدی» که در دوره ششم، نماینده مجلس اصلاحات بود مخالفت می‌کرد که کسی، حتی تلویزیون داشته باشد. ولی مسابقات ورزشی را دیگر کمتر ایراد می‌گرفتند و چون محمدعلی مسلمان شده بود حتی تشویق هم می‌شد. همین چند نفر هم تلویزیونشان را گوشه‌ای پنهان می‌کردند و در مواقع خاص استفاده می‌شد. مرسوم بود که مردها برای کار به کویت می‌رفتند. پدر من هم در کویت کار می‌کرد. وقتی آنها به کویت می‌رفتند تلویزیونشان را پنهان می‌کردند و دیگر کسی تا آنها برگردند تلویزیون نمی‌دید. محور مسابقاتی که ما دنبال می‌کردیم، محمدعلی کلی بود که هر بار با یکی دیگر مسابقه داشت. جو فریزیر یا جرج فورمن آدم‌هایی بودند که مسابقه او با آنها مهم‌تر بود. فورمن قوی‌تر بود، ولی فریزیر سریع‌تر. این‌ها وقتی رویه‌روی هم می‌ایستادند و به هم ضربه می‌زدند واقعا ما درگیرشان می‌شدیم.

محمدعلی کلی ۳۳ سال با بیماری‌اش جنگید. اسطوره‌ای که مثل امپراطوران بازنشته، دوران بعد از قهرمانی‌اش را طی کرد، عاقبت در سن ۷۴ سالگی درگذشت. مراسم یادبودش نیز ادامه‌ای بر زندگی منحصر به فردش بود.

برفک داشت. کم‌کم برای خودمان یک کلک‌هایی جور می‌کردیم که بهتر تصویر را بگیرد. گزارش هم می‌شد. یادم است «تابک بهمنش» و «روشن‌زاده» فوتبال‌ها را گزارش می‌کردند، ولی یادم نیست این مسابقات بوکس را چه کسی می‌گفت. بیشتر شور و حال ما بود که الان آن شور و حال‌ها برای دور هم جمع شدن نیست و گرنه نسبت به الان چیز جذابی وجود نداشت. شما تصور کنید یک عده ساعت پنج صبح هم وعده بشوند و بروند برای دیدن یک مسابقه، آن شور حال دیگر نیست. ما برای اینکه فیلم بروسی را در سینما ببینیم باید یک روز کامل وقت می‌گذاشتیم، پول جور می‌کردیم، سختی می‌کشیدیم تا بباییم یزد و برگردیم. یک اتفاق مهم بود برایمان. الان هر فیلمی به راحتی در اختیار است. در نتیجه ارتباط ما با این ستاره‌ها نوع دیگری بود. این چیزها هویت ما را شکل می‌داد.

باید باهم وعده می‌گذاشتیم که همگی برویم در خانه یکی و مسابقه را ببینیم. تلویزیون «توشییا» بود. برای ما دائما



محله دارالشفاء (قسمت اول)

خلق را دارالشفایی، ملک را دارالامان!

حمیدرضا امیری

محله دارالشفاء از غرب به محله «لب خندق»، و از شرق به خیابان امام خمینی و محله «پیر و برج» محدود می‌شود. حدّ شمالش «چهارسوق» و «محله کلیمیان» است و جنوبش «دروازه مهریز» و بازارهای «خان» و «صدری» و «افشار». اگرچه امروزه دروازه مهریز یکی از عناصر محله دارالشفاء قلمداد می‌شود اما این محدوده در گذشته برای خودش محله‌ای بوده است و تا همین دهه‌های اخیر نامش بر سر زبان‌ها. عنوان «محله دروازه مهریز» را در مکتوبات اداری حدود چهل سال پیش، زیاد می‌توان دید. اگر نگاهی تاریخی به محدوده دارالشفاء و محلات همجوارش ببینیم، نام محله «ایلچی‌خان» را هم باید به همسایگانش بیفزاییم. این محله در شمال و شمال

اگر روبروی جلوخان باشکوه و سردر رفیع مسجد جامع یزد بایستی، بعد سمت چپ بپیچی و راحت را در یک بازارچه قدیمی پیش بگیری، به چهارسوق می‌رسی و اگر از آن جا همچنان راحت را به سمت قبله ادامه دهی، گام در گذر «دارالشفاء» گذاشته‌ای. گذری که محور مرکزی این محله است. پیش که می‌روی به مسجد باغ بهشت، بازارچه و حمام دارالشفاء، بقعه علمدار امام رضا(ع) و حمام و مسجد فُرت می‌رسی و نهایتاً سر از دروازه مهریز و بازارهای یزد در می‌آوری. دارالشفاء نشانی سر راست دیگری هم دارد، درست روبروی مسجد معروف حظیره، کوچه‌ای هست به نام نقیب‌الاشراف. قدم که در آن بگذاری، گام در محله دارالشفاء گذاشته‌ای.

قصیده‌ای می‌سراید و از شمس‌الدین محمد تازیکو هزار مثنی‌الطیال صلاه در یافت می‌کند. دو بیت از قصیده اوست: ای صفای صفات ترکیب عالم را روان
صحت عقل و صفای روحی و جان و جهان
همت و دولت ملازم گشته‌اندت لاجرم
خلق را دارالشفایی، ملک را دارالامان

اعیان و اشراف و بزرگان یزد به مبارک‌باد، پانصد سیو آب از قنات یزد به وزیر تقدیم می‌کنند و آن خواجه همه را بر دارالشفاء وقف می‌نماید. شوربختانه امروز از آن تأسیسات که به «دارالشفای صاحبی» موسوم شده بود، اثری نیست اما همچنان نامش بعد از گذشت قرن‌ها باقی مانده و به واسطه اهمیتش نامش بر یک محله اطلاق شده است. به قول مؤلف جامع مفیدی در عصر صفوی: «الحال از موقوفات نامی و از دارالشفاء نشانی مانده».

اکنون در محله دارالشفاء بنای مخروبه‌ای است مشهور به «سید ابودردا». آن زمان که ایرج افشار کتاب یادگارهای یزد را تألیف می‌کرده است، مردم بر کنار دیوارش شمع و چراغ روشن می‌کرده‌اند و زیارت ماندنی بوده است. از شواهد معماری‌اش مشخص است که از آثار عصر مغول است. استاد ایرج افشار احتمال می‌دهد این بنا از بقایای همان دارالشفای صاحبی باشد. پژوهشگران دیگر هم به تبعیت از ایشان همین احتمال را داده‌اند اما این فرضیه را هم نباید نادیده گرفت که مخروبه سید ابودرداء شاید قسمتی از «مدرسه وردانزور» باشد. چرا که وقتی در کتب تاریخی از مسیر آب قنات و قفای آباد از دارالشفاء سخن به میان می‌آید، ذکری از مدرسه مذکور هم می‌شود، که موقعیتش بر جایی در همین حوالی منطبق است.

محمدحسن خادم‌زاده در کتاب «معماری دوره آل مظفر یزد» پنج صفحه به معرفی بنای سید ابودرداء اختصاص داده است و وضعیت کنونی اثر را با این مقدمه توصیف کرده است: «دیوار خشتی و کوتاهی آن را از سایر خانه‌های داخل کوچه مجزا ساخته است. می‌توان گفت بخش اعظم این بنا با گذشت زمان به شدت تخریب شده و آن چه که امروز از بنای ابودرداء به عنوان بخش‌هایی شاخص بر جای مانده است، شامل سه فضای جداگانه می‌باشد که هر یک به وسیله درگاهی به یک‌دیگر مرتبط شده‌اند. قابل ذکر است که دیوار ضلع شمالی در فضاهای اول و دوم کاملاً تخریب شده است...».

شرق دارالشفاء است. محله‌ای که امروزه از آن، کمتر نامی به میان می‌آید اما گویا تا عصر قاجار، برزنی صاحب اعتبار و وسیع بوده است؛ چنان‌که در آن زمان عبدالوهاب طراز در «کتابچه موقوفات یزد» موقعیت مسجد حاج ابراهیم را محله ایلچی‌خان ذکر می‌کند و این در حالی است که ما امروز این مسجد را یکی از عناصر مرکزی محله دارالشفاء بر می‌شماریم.

«دارالشفاء» در لغت به معنای درمانگاه و بیمارستان است و نام این محله به تأسیسات درمانی و بهداشتی باز می‌گردد که در قرن هفتم هجری و دقیقاً سال ۶۶۶ قمری در این بخش از شهر ساخته شد. ماجرای ساختش از این قرار بود که شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان که در تبریز تکیه بر مسند وزارت داشت به نایب خودش در یزد - شمس‌الدین محمد تازیکو - دستور ساخت دارالشفایی می‌دهد. تازیکو از ثروتمندان زمانه بود و از ممدوحین سعدی. او بانی مسجد چهل محراب در محله فهادان هم بود. مصلاهی هم در یزد بنا کرده بود. القصد! او دست به کار می‌شود و طرح و نقشه عمارت را برای وزیر می‌فرستد. وزیر احم به چهره می‌آورد، قهر می‌کند و می‌گوید: «این چه عمارت است که این قدر حقیر است؟! به قدر همت خود ساخته! به قدر همت ما باید بسازد!» با حرف وزیر به گوشه قبابی شمس‌الدین محمد تازیکو بر می‌خورد، آستین همت بالا می‌زند و کاری می‌کند کارستان. عمارتی می‌سازد با شکوه و معظم و این بار طرح و نقشه عمارت نوساخته‌اش را برای وزیر ارسال می‌کند. وزیر که می‌بیند، تعجب می‌کند و می‌نویسد: «نه بدین افراط و نه بدان تفریط!». نایبش پاسخ می‌دهد: غمی نیست! اگر بر خواجه گران است تنها لقب «صاحب‌دیوان» را از کتیبه دارالشفاء بر می‌دارم و «تازیکو» را جایگزینش می‌کنم، همه هزینه ساختش را هم به خزانه حکومت باز می‌گردانم. و این سخن نقل محافل و نقل مجالس می‌گردد.

به این ترتیب دارالشفایی در یزد بنا می‌شود، شهره آفاق. بنایی عظیم با «چهارصفه» و «طنبی» و «بادگیر» و «حوضخانه» و «بیت‌الادویه» و «دارالمجانین» و «یخچال» و «چاه‌خانه آب سرد» و «مسجد» و «مدرسه» و «باغی مشجر»، قریب به ده جریب یعنی چهل هزار متر مربع (چهار هکتار). در کتاب تاریخ جعفری در وصفش آمده است: «از مشاهیر عمارات یزد» است و «به‌غایت عمارت عالی». امامی هروی از شاعران بنام آن روزگار درباره‌اش

یکی از گشنگی می‌میرد، دیگری را سیری به کشتن می‌دهد

قصه‌ی گلبهار

از چاپ‌خانه تا روزنامه | ذبیح حلیلی



اختیار گذاشتن وسایل مورد نیاز برای بالا بردن سطح سواد و آگاهی مردم نبوده است. پس از تاسیس کتابخانه متصدیان اداره بنگاه گلبهار به این نتیجه رسیدند که احداث چاپخانه در شهر یزد به دلیل دور افتادگی از مرکز جزو ضروریاتی است که هر چه زودتر باید تدبیری برای آن اندیشیده شود.

● ورود دستگاه چاپ و احداث چاپخانه گلبهار

در سال ۱۳۱۲ تصمیم بر آن شد که به دلیل نبود برق چند دستگاه چاپ دستی خریداری شود. همان طور که کتاب فروشی گلبهار روز به روز تعداد مخاطبانش بیشتر می شد، چاپخانه نیز کم کم رونق می گرفت و به کارش ادامه می داد. در آن سال‌ها سرعت چاپ با دستگاه‌های دستی آنقدرها زیاد نبود اما مشتریان چاپ خانه با بردباری و نشان دادن رضایتی نسبی از نتیجه کار باعث شدند به

در یزد هر جا حرفی از کتاب، نشریه و چاپخانه به میان می‌آید، ناخداگاه به اسمی جز «گلبهار» نمی‌رسیم. مجموعه‌ای که تاثیر مستقیمی بر روی فرهنگ و آگاهی مردم یزد داشته است. گلبهار تنها کتاب فروشی، چاپخانه و روزنامه نیست بلکه قسمتی از تاریخ معاصر یزد است. قسمتی از حافظه مرد یزد در میان عده ای از جامعه که به نوعی اهل فرهنگ و مطالعه بوده، تبدیل شده است. «گلبهار» در تمام اسناد موجود به صورت پیوسته آمده و تا سال‌ها نیز کتابفروشی گلبهار تنها کتابفروشی شهر یزد بوده است. نام گلبهار با علم و فرهنگ این شهر گره خورده تا آنجا که واژه گلبهار بین مردم کوچه و بازار با کتابفروشی مترادف شد.

هدف از تاسیس بنگاه گلبهار در سال ۱۳۰۵ توسط «محمد رضا مدرس زاده» چیزی جز ارتقاء فرهنگ و در

روزنامه گلپه‌ار به چاپ رسید: «یکی از گشنگی می‌میرد، دیگری را سیری به کشتن می‌دهد». این سرمقاله باعث شد همان روز فرمانداری یزد گلپه‌ار را توقیف کند. شاید تنها دلیل اعتراض نشریات یزد وجود چاپ خانه و نشریه در شهر یزد بود که با وجود این مسائل تنها به دلیل روابط و نفوذ نشریات تهران، این نشریات از این کمک‌های دولتی محروم می‌شدند.

در آن سال‌ها «عبدالحسن آیتی» نویسنده کتاب تاریخ یزد در مجله «تمکدان» درمورد گلپه‌ار نوشت: «گلپه‌ار به خاطر نداشتن آگهی ثبتی دیگر نتوانست منتشر شود». این در حالی بود که گلپه‌ار چند شماره بعد از توقیف نیز منتشر شد ولی به دلیل این که کیهان فر و مولوی به اصفهان رفتند عمر روزنامه گلپه‌ار نیز به پایان رسید. ولی چاپخانه و کتاب فروشی گلپه‌ار تا به حال با تمام نا ملامت و روزهای بد و خوب به حیات خود ادامه داده است.

● درباره سردبیر روزنامه گلپه‌ار

«محمد کیوان فر» در اصفهان دیده به جهان گشود و در دارالفنون افتخار شاگردی ملک شعرای بهار را در کارنامه پر بار خود داشت. پس از اتمام تحصیلات به اصفهان بازگشت و در مدارس این شهر مشغول تدریس شد و پس از آن به یزد منتقل شد و پس چند سال تدریس در مدارس یزد، مدیریت مدرسه مارکار را برعهده گرفت. کیوانفر در کنار اشتغال در آموزش پرورش، سردبیری روزنامه گلپه‌ار را که مدیریت آن برعهده مولی مولوی بود برعهده گرفت و تا سال ۱۳۱۷ که این روزنامه توقیف شد، مسئولیت سردبیری این روزنامه را برعهده داشت که پس از توقیف روزنامه، در شهر اصفهان با همکاری «محمد پایداری» هفته‌نامه «داد اصفهان» را راه‌اندازی کرد.

کیوان فر نه تنها عارفی بود که مدتی در خانقاه‌های شیراز معتکف بود بلکه شاعر توانایی بود که نزد ملک شعرا در زمان دانشجویی کسب فیض کرده بود. وی جدا از نویسندگی، روزنامه‌نگاری و فعالیت در زمینه شعر چندی در رادیو اصفهان در زمینه گویندگی نیز فعالیت کرد. سرانجام در سال ۱۳۴۱ کتاب (طفل راه) را نیمه‌کاره رها کرد، دارفانی را وداع گفت و در تکیه آغا باشی به خاک سپرده شد.

مرور سرمایه‌ی اولیه‌ای که برای این کار در نظر گرفته شده بود، باعث رونق چاپ در شهر یزد شود.

● تولد روزنامه گلپه‌ار

پس از احداث چاپخانه، بنگاه گلپه‌ار تنها فعالیت در حوزه مطبوعاتی را کم داشت که در سال ۱۳۱۲ با مدیریت «مولی مولوی» که خود یکی از سرمایه‌گذاران اولیه گلپه‌ار بود، روزنامه گلپه‌ار راه‌اندازی شد. همچنین مسئولیت سردبیری این نشریه را به «محمد کیوان فر» مدیر مدرسه مارکار سپردند. این روزنامه به صورت تک برگ به چاپ می‌رسید.

با مطالعه چند شماره از این روزنامه که از طرف کتابخانه وزیری یزد در اختیار خبرنگار پرگار قرار گرفت شرح این چند شماره از این قرار بود که شروع روزنامه با یک ستون به نام «در بیرون از شهر» توسط سردبیر با زبانی داستان گونه و نگاهی انتقادی به شرایط شهر و زندگی روزمره مردم شروع و به خبرهای از خارج از کشور به پایان می‌رسید. ولی در بین این چند شماره که مربوط به آبان ماه ۱۳۱۴ بود هیچ نشانه‌ای از خبر و اتفاقی که مربوط به یزد آن سال‌ها باشد، دیده نشد. در صورتی که در کتاب تاریخ جراید و مجلات صفحه ۱۵۶ آمده که «در اغلب شماره‌های روزنامه‌ی گلپه‌ار پس از سرمقاله که غالباً مربوط به اوضاع محلی یزد می‌باشد، عبارت است از اخبار شهری و خارجی و همچنین ترجمه‌ای از مجلات خارجی و غیره».

همان طور که در بالای صفحه‌ی گلپه‌ار نوشته شده، هفته‌ای سه روز به چاپ می‌رسیده است. البته در ابتدا هفته‌نامه بوده که بعد ها به صورت هفته‌ای سه شماره چاپ و عرضه می‌شده که این موضوع نشان دهنده پر مخاطب بودن گلپه‌ار بوده است.

● توقیف روزنامه گلپه‌ار

علت توقیف گلپه‌ار، مسئله سیاسی نبود. دلیل توقیف تنها اعتراضی بود که در همان ابتدا در نطفه خفه شد و حتی با جانب داری نشریه‌های دیگر یزد نتوانست راهی به جایی برسد. دلیلی این اعتراض چاپ آگهی‌های ثبتی و دولتی در روزنامه‌های مرکز بود که در ابتدا با اعتراض مطبوعات یزد تعدادی از این آگهی‌ها را به نشریه‌های یزد سپردند ولی قسمت اندکی از این آگهی‌ها سهم نشریات محلی می‌شد. تا اینکه در سال ۱۳۱۷ پس از ورود یک کامیون اوراق چاپی دولتی به یزد این متن به قلم محمد کیوانفر در

با دیده مرا خوش است تا دوست در اوست



ابوالفضل رشید الدین میبیدی، فرزانه ی کم ادعا

حسین مسرت

دیوار فرهنگ پرور میبید در سده پنجم دانشمندی را در دامان خود پرورانده که بعدها بر اثر همت و کاردانی او، بهترین و شیوا ترین تفسیر عرفانی از قرآن کریم به دوستداران فرهنگ و ادب پارسی و علوم قرآنی عرضه شد. روشن نیست ابوالفضل رشیدالدین چه سالی از میبید و به عشق راه یافتن به محفل عرفانی و روحانی عرفای بزرگ راهی دیوار خراسان بزرگ، به ویژه هرات شده است.

این دانشمند فرزانه کم ادعایتر از آن بود که جایی شرحی از خود بنگارد و کسی به صرافت درج احوالش بیفتد. تنها از راه دیباچه دفتر نخست تفسیر سترگ کشف الاسرار و عده الابرار که از مانا ترین آثار عرفانی ادب فارسی است، باخبر می شویم که وی از نسل شیخ جمال اسلام ابی سعید محمد بن مهر یزد، متوفی ۴۸۰ قمری از بزرگان یزد و از بازماندگان مهرنگار، دختر نوشیروان هست. دیگر آنکه تفسیر را در سال ۵۲۰ قمری نگاشته است و این تنها تاریخ به جای مانده از اوست و چون سنگ قبر دخترانش فاطمه «فوت ۵۶۲ ق» در میبید و توران پشت یزد دیده شده و بقعه ای به نام سلطان رشید در میبید وجود داشته است، می توان پنداشت که وی سال های پایانی عمر به زادگاهش برگشته و در همان جا آرمیده است.

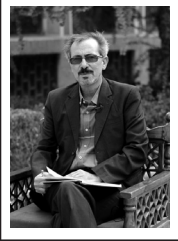
خوشبختانه از این دانشمند جامع الاطراف که نویسنده، مفسر، زبانشناس، فقیه، محدث، اندیشمند، شاعر و والاتر از همه عارفی بلند همت و بلند نظر بود، به غیر از اثرش «اربعین» که نشانی از آن نیست و «طبقات الصوفیه» که ظاهراً تقریر خواجه عبدالله انصاری و تحریر میبیدی است و نیز «الفصول» که گزارش کتابی است در زمینه فصالی از ابوالقاسم یوسف هروی، کتابی جاودان و گرانسنگ بر جای مانده است که قرن هاست مشتاقان از دریچه آن با لطف کلام پروردگار آشنا می شوند. میبیدی در سه نوبت، کلام یزدان را به بندگان پاکباز و مشتاقان قرآن عرضه کرده است. هر نوبت پر ارج تر از دیگری، چنان که در سومین نوبت، به عرفان و گوهر ناب گفتار خداوند می رسیم.

با دیده مرا خوش است تا دوست در اوست
یا اوست به جای دیده خود اوست

چشمی دارم همی پر از صورت دوست
از دیده و دوست، فرق کردن نه نکوست

علی اکبر سلیمانی متولد سال ۱۳۵۱ است.
از او یک کتاب به نام نازی های پی در پی از
انتشارات یادداشت نو منتشر شده است.

همه از زیر سر فاصله بر می خیزد
گاه گاهی اگر از دل گله بر می خیزد
آه را خاصیتی هست که در آهن نیست
بیشتر وقت سحر زلزله بر می خیزد
مطمئنم که به چشم تو نظر دوخته است
وقتی از سمت خدا هلله بر می خیزد
بنشین لحظه ای ای ماه و ببین پشت سرت
چقدر عاشق بی حوصله برمی خیزد
به گمانم که فقط دود دل مجنون است
هر غباری عقب قافله بر می خیزد
فرق بین من و ققنوس همین است همین
که ز خاکستر من چلچله بر می خیزد



دوباره هم شده پس کوچه های چشمم تر
بزن به صورتم این بار هر چه محکم تر
منی که این همه گل کاشتم سر راحت
و دشت می شود از اشک های مبهم تر
چقدر گشتی و چرخیدی و نفهمیدی؟
نداشت شهر تو از جلوه من آدم تر
خدا خدایی خود خوب کرد و خواهد کرد
اگر من و تو بمانیم قدری آدم تر
خدای قصه عیسی خدای ما و شماست
که لاله کاشته از هاجر تو مریم تر
من از کجا به تو پیوسته ام که می بینم
همیشه غرق رکوعم، تو دیده ای خم تر؟
من از خودم به ستوه آمدم تو کاری کن
که از شکایت من گشته چشم عالم تر

فرخی یزدی و انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملی

هادی حکیمیان



میرزا محمد فرخی یزدی ملقب به لسان الله و تاج الشعرا به سال ۱۲۶۴ خورشیدی در خانه محمد ابراهیم سمسار یزدی دیده به جهان گشود. وی دانش‌آموز مدرسه مرسلین انگلیسی در کوی گازرگاه یزد بود اما به سبب روحیه جسور و سرکش خود و پس از سرودن اشعار علی‌ه فعالیت‌های مبلغین مسیحی در سن پانزده سالگی از مدرسه مزبور اخراج شد. وی از سن شانزده سالگی به کارهای همچون شعربافی و نانوایی پرداخت و از همین زمان شاعری را به صورت جدی پی گرفت (کاظمینی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱۷). بر اساس پاره‌ای شواهد فرخی مدتی را نیز در مدرسه خان یزد به تحصیل علوم دینی پرداخت (رشیقی، ۱۳۷۸، ص ۸۵). با پیروزی انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۵ خورشیدی، فرخی جوان وارد عرضه منازعات سیاسی ایران معاصر شد. به گونه‌ای که در ابتدای امر، شیخ احمد مدیر از اعضای حزب دموکرات یزد که مدیریت هفته نامه انجمن ولایتی یزد را هم بر عهده داشت، اشعار فرخی را که اغلب در مدح آزادی و یا در نکوهش و مذمت استبداد بود در نشریه مزبور چاپ و منتشر می‌کرد (مسرت، ۱۳۷۶، ص ۴۸۰).

فرخی که اینک با آزادی خواهان یزد حشر و نشر یافته بود، در نوروز ۱۲۹۰ خورشیدی مسمطی علیه ضیغم الدوله قشقایی حاکم مستبد یزد سرود که این عمل وی خشم ضیغم الدوله را برانگیخت. با گونه‌ای که حکم به زندانی کردن و سپس دوخته شدن دهان شاعر داد. پس از این واقعه محمد صادق سفینه مدیر روزنامه سفینه نجات یزد جریان دوخته شدن دهان فرخی را در قالب یک سری تصاویر و با چاپ سنگی در روزنامه‌اش منتشر نمود (مسرت، ۱۳۷۱، ص ۵۳۴ - ۵۳۵). همچنین عده‌ای از اعضای حزب دموکرات و دوستان فرخی در تلگرافخانه پست نشسته و حادثه مزبور را تلگرافی به مشروطه خواهان در تهران اطلاع داده و خواهان رسیدگی شدند (باقی، ۱۳۷۸، ص ۸۲).

این اقدام حکم مستبد یزد، وکلای مجلس شورای ملی را برانگیخت، چنانکه برای اولین بار نام فرخی در صحن علنی مجلس مطرح شد و پس از طرح واقعه دوخته شدن دهان فرخی توسط فهیم الملک، وکلای مجلس، مستشار الدوله وزیر داخله را استیضاح کرده و خواهان پاسخگویی وی شدند اما معاون وزارت داخله در کمال ناباوری نمایندگان همه چیز را تکذیب نمود (موسوی زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵۲).

در خرداد ۱۲۹۰ خورشیدی با برکناری ضیغم الدوله و برداشته شدن فشار از روی فضای سیاسی - اجتماعی یزد، فرخی پس از آزادی از زندان به انجمن طرفداران قانون اساسی که توسط سید ابوالحسن حایری زاده و افتخار العلماء سردبیر روزنامه معرفت یزد ایجاد شده بود، پیوست (تشکری، ۱۳۷۷، ص ۲۲۴).

فرخی در شهریور همین سال با سفر به تهران به خیل آزادی خواهان و هواداران مشروطیت و پیوسته و ظرف مدت کوتاهی به عنوان شاعری آزادی خواه و نویسنده‌ای بی‌باک در عرصه مطبوعات کشور مطرح شد. با زبانه کشیدن جنگ جهانی اول و در آذرماه ۱۲۹۰ خورشیدی بود که وی به همراه سایر آزادی خواهان و به نیت تشکیل کمیته دفاع ملی ابتدا به قم و مدتی بعد به دعوت سران ایل بختیاری به جنوب کشور رفت. فرخی در سال ۱۲۹۴ خورشیدی به عراق مهاجرت کرده و به سبب سابقه مبارزاتی‌اش مورد تعقیب نیروهای انگلیسی قرار گرفت. از این روی از بغداد به کربلا، سپس به موصل و مهرماه ۱۲۹۶ خورشیدی از آنجا با پای برهنه و از بیراهه خود را به ایران رساند. اما به محض ورود توسط قوای قشون روسیه تزاری دستگیر و محبوس گردید. نامبرده پس از چند ماه از بند زندان رسته و در تهران مورد حمله تروریستی مجاهدین تندروی قفقازی قرار گرفت اما جان سالم به در برد (موسوی زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵۴).

منازعات فرخی با صاحبان قدرت پایانی نداشت چنانکه در هجدهم شهریور ۱۲۹۹ خورشیدی در زمان نخست وزیری وثوق الدوله و به سبب مخالفت سرسختانه با قرارداد استعماری ۱۹۱۹ دستگیر و چندین ماه در مجلس عادی و سپس در زندان نمره یک شهرانی تهران به سر برد. (فرخی، ۱۳۷۶، ص ۱۶). وی اندک زمانی پس از آزادی دوباره در چهارم اسفند ۱۲۹۹ و در جریان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بود که از سوی نیروهای تحت امر سید ضیاء الدین طباطبایی و رضاخان میرونج دستگیر و مدتی را در باغ سردار اعتماد زندانی شد. پس از سقوط کابینه سیاه در خرداد سال ۱۳۰۰ فرخی هم آزاد شد و در راستای فعالیت‌های آزادی خواهانه خود در دوم شهریور همین سال با همکاری سید علی اکبر موسوی زاده اولین شماره روزنامه طوفان را با کلیشه سرخ و به نیت طرفداری از طبقه کارگر و کشاورز منتشر کرد. این روزنامه در طول مدت انتشارش بیش از پانزده بار توقیف شد.

فرخی از همان ابتدای کار صریحاً به سیاست‌های زیاده خواهانه روس و انگلیس و همچنین انفعال و بی‌تفاوتی احمد شاه قاجار در برابر آنها حمله می‌کرد. به علاوه فرخی بارها به شخص سردار سپه و سیاست‌های مستبدانه و اقدامات خلاف قانون وی حمله کرده و خواهان محاکمه رسمی او شد سرانجام در دی ماه ۱۳۰۲ و به خواست شخص سردار سپه، فرخی دستگیر و ابتدا به کرمان و سپس به هم تبعید شد اما پس از چند ماه به موجب پادرمیانی تیمورتاش آزاد شد (مسرت، ۱۳۸۴، ص ۶۳۱).

فرخی که یکی از مهمترین دادخواهان قتل میرزاده عشقی و از جمله مطرح‌ترین مخالفان جریان انتقال سلطنت از قاجاریه به پهلوی بود، در بهار ۱۳۰۵ برای اولین بار از سوی گروه‌های مترقی، مصلح دوست و آزادی خواهان برای نمایندگی تهران نامزد شده و پای در عرصه رقابت‌های انتخاباتی نهاد. (همان، ص ۶۳۲) فرخی که مدیریت روزنامه طوفان را بر عهده داشت، علاوه بر کاندیداتوری، مسئولیت بررسی و انتشار اخبار انتخابات و همچنین آراء کسب شده از سوی دیگر کاندیداها را نیز بر عهده دار بود. در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی فرخی از سوی جرایدی همچون اقدام و ایران به عنوان یک «عنصر پاک و آزادی خواه بی‌آلایش» معرفی شده بود اما در راهیابی به مجلس ناکام ماند (آذری شهرمیایی، ۱۳۸۱، صص ۱۸ - ۱۹). در آذر ۱۳۰۵ فرخی هفته نامه طوفان را به روزنامه تبدیل کرد و درست یکسال بعد از این یعنی در آذر ۱۳۰۶ برای شرکت در جشن دهمین سال پیروزی انقلاب بلشویکی در شوروی عازم مسکو شد. در بیست و دوم اردیبهشت ۱۳۰۷ نخستین جشن الغاء قانون کاپیتولاسیون به وسیله فرخی و در دفتر روزنامه طوفان برگزار شد. برپایی این جشن با هزینه سردار اسعد بختیاری و به اصرار تیمورتاش انجام شد چراکه وی قصد داشت از این طریق روابط تیره و تار فرخی و رضاشاه پهلوی را التیام بخشد (مسرت، ۱۳۸۴، ص ۲۶۶).



بارکد را اسکن کن اشتراک رایگان بگیر



با ورود به سایت و ثبت اطلاعات، به صورت رایگان اشتراک
یکساله نسخه الکترونیک هفته نامه پرگار را داشته باشید.

یزد استور

فروشگاه اینترنتی

www.YazdStore.com

